

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۰۷

شنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۳، ۱۴ دسامبر ۲۰۲۴

سقوط اسد و سرازیری جمهوری اسلامی!

کاظم نیک‌خواه

چندی پیش مهدی طائب رئیس "قرارگاه عمار" جمهوری اسلامی نکته جالب و قابل تعمق را بیان کرد و امروز کاملاً جا دارد که آن جملات جنایت‌کار شناخته شده حکومتی را یادآوری کنیم. او گفت "سوریه استان سی و پنجم و یک استان استراتژیک برای ماست. اگر دشمن به ما هجوم کند و بخواهد سوریه یا خوزستان را بگیرد اولویت با این است که ما سوریه را نگه داریم. اگر سوریه را نگه داریم می‌توانیم خوزستان را هم پس بگیریم اما اگر سوریه را از دست بدهیم تهران را هم نمی‌توانیم نگه داریم." اکنون دقیقاً جمهوری اسلامی مقابل این سؤال قرار گرفته است که با سقوط بشار اسد آیا می‌تواند تهران را نگه دارد؟ فکر می‌کنم سقوط اسد جمهوری اسلامی را در وضعیت بسیار متلاطمی خواهد انداخت که نجات از آن برایش ممکن نیست.

سقوط حکومت بشار اسد موجی از خوشحالی را در دنیا و به‌ویژه ایران در میان مردم دامن زده است. دیکتاتور سوریه در عرض کمتر از دو هفته ساقط شد و به روسیه گریخت و بخش‌های مختلف نیروهای شورشی تمامی این کشور را در کنترل خود گرفتند. بیشترین تأثیر سقوط دیکتاتور سوریه، تأثیر آن بر سرنوشت حکومت اسلامی در ایران است. با سقوط بشار اسد به طور واقعی جمهوری اسلامی نیز در سراشیب سقوط افتاده و حلقه محاصره بر آن تنگ‌تر می‌شود. همین که این حکومت و دولت پوتین نتوانستند همچون سال ۲۰۱۱ با به خاک و خون کشیدن مردم سوریه، بشار اسد را بر سر قدرت نگه دارند خود نشانگر وضعیت بن‌بست و نزار این‌هاست.

اشاره کنم که علی‌رغم شور و شعف سرنگونی دیکتاتوری اسد، نگرانی‌های زیادی در مورد آینده سوریه و تأثیر آن بر منطقه وجود دارد. چرا که نیرویی که در صف مقدم سرنگونی اسد قرار داشت، و سرنگونی اسد را کلید زد، جریان اسلامی تحریرالشام به رهبری جولانی است که سابقه همبستگی با القاعده و داعش را در کارنامه خود دارد. اردوغان و ترکیه نیز حامی این نیرو هستند که کارنامه آنها نیز بهتر از داعش و القاعده نیست. این وضعیت سؤالات زیادی را ایجاد خواهد کرد که باید به آنها پرداخت.

آیا امکان قدرت گرفتن جریان‌اتی نظیر القاعده و داعش در سوریه وجود دارد؟ آیا یک حکومت اسلامی نظیر جمهوری اسلامی یا بدتر از آن در سوریه شکل نخواهد گرفت؟

به طور واقعی در برابر سوریه بعد از اسد دو راه حل بیشتر وجود ندارد. یا غرق شدن در یک جنگ داخلی و سناریوی سیاه، یا وارد شدن به یک فاز مباحثات و سازش نیروهای درگیر و ایجاد دولتی ائتلافی و غیرمذهبی. چرا این را می‌گوییم؟ اولی به نظرم روشن است. در سوریه نیروها و دولت‌های متعددی منافع مستقیم

ادامه در صفحه ۲

پیامدهای سقوط اسد در سوریه و ایران

تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با کانال جدید

صفحه ۳

فراخوان به مردم آزاده ایران

اسد رفت، جمهوری اسلامی هم باید برود!

صفحه ۷

بیانیه حزب کمونیست کارگری

در باره سقوط بشار اسد و موقعیت جمهوری اسلامی

صفحه ۸

حزب کمونیست کارگری حلقه اتصال جنبش‌های

مبارزاتی و انقلابی

کیوان جاوید

صفحه ۹

حماسه‌ای در نفت در فضای انقلابی جامعه

شهلا دانشفر

صفحه ۱۰

انقلاب عیان در مقابل خودسانسوری خامنه‌ای

مهران محبی

صفحه ۱۱

سقوط اسد

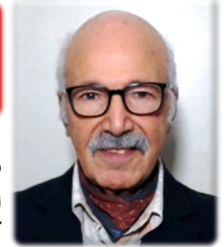
ضربه مهلک دیگری به جمهوری اسلامی

حمید تقوایی

صفحه ۱۲

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۳



سقوط اسد و سرازیری جمهوری اسلامی! از صفحه نخست

دارند و فی الحال در آنجا حضور دارند. ترکیه، اسرائیل، آمریکا و روسیه نیروها و قدرت‌هایی هستند که مستقیماً در سوریه حضور دارند. (به وضعیت جمهوری اسلامی در سوریه بعداً اشاره خواهم کرد). به علاوه نیروها و سازمان‌های متعدد کرد و نیروهای مردمی هم به صورت متشکل و مسلح و غیرمسلح حضور دارند و تأثیرات مستقیم خود را بر اوضاع دارند. این نیروها و کل مردم نیز تلاش می‌کنند اوضاع به سمت تمایل و مصالح آنها حرکت کند. اگر همه این طرف‌ها بر منافع خود بدون سازش پافشاری کنند، راهی جز جنگ و خونریزی و تکه‌تکه کردن این کشور باقی نمی‌ماند و بازنده چنین وضعیتی قطعاً مردم سوریه هستند. جریانات و نیروهای اسلامی افراطی‌ای نظیر داعش و القاعده از چنین وضعیتی بسیار سود خواهند برد. اما در عین حال دولت‌های درگیر در اوضاع نیز از یک سناریوی سیاه دستاوردی نخواهند داشت. چرا که جنگ در سوریه می‌تواند جنگ‌های بزرگ‌تری را میان اسرائیل و ترکیه و روسیه و آمریکا دامن بزند و بحران‌هایی را ایجاد کند که نتیجه آن قابل کنترل و پیش‌بینی نیست و نهایتاً می‌توان گفت همه بازنده خواهند بود و قطعاً هیچ‌کدام خواهان وارد شدن به کشاکش‌های نظامی گسترده و بلبشو و وضعیت خطرناک و کنترل نشده که دامن همه دولت‌های منطقه را خواهد گرفت نیستند.

اما راه دیگری که می‌تواند پیش روی این کشور قرار گیرد، راه‌حلی است که می‌تواند به درجه‌ای به نفع مردم نیز باشد و بخش اعظم مردم سوریه در آن جهت تلاش و مبارزه می‌کنند. معمولاً در تحلیل‌هایی که این روزها از اوضاع سوریه می‌شود مردم جایی ندارند. گویی مردمی وجود ندارند. همه چیز از دید طول و عرض نیروی مسلح و نیروهای ارتجاعی درگیر در سوریه دیده می‌شود. به نظر من در اوضاع کنونی سوریه جایگاه مردم بسیار مهم است. مردم به درجه‌ای متشکل‌اند و می‌توانند فشار بیاورند و تلاش کنند که فضای جامعه به سمت سناریوی سیاه نرود. صدای مردم در دنیای امروز به‌خوبی شنیده می‌شود. مردم سوریه تجربه انقلاب ۲۰۱۱ را دارند که گرچه وحشیانه توسط رژیم اسد و روسیه و جمهوری اسلامی به خاک و خون کشیده شد اما تجربه آن انقلاب دود نشده و نابود نشده است. مردم عمدتاً می‌دانند که چه می‌خواهند. در فضای جامعه سوریه تا آنجا که به مردم مربوط می‌شود گرایش سکولار و غیرمذهبی دست بالا را دارد. جریانات اسلامی و داعشی و القاعده‌ای در میان مردم جایگاهی ندارند. بخش‌هایی از این کشور در کنترل نیروهای کردی است که مسلح‌اند و مدت‌ها در جنگ با نیروهای اسلامی داعشی بوده‌اند. باتوجه‌به این اگر چه همانطور که در جای دیگری گفته‌ام در کوتاه‌مدت دولت حاکم به درجه‌ای می‌تواند رنگ‌بوی اسلامی و مذهبی به خود بگیرد، اما در میان‌مدت این احتمال قویاً هست که مردم در شکاف میان قدرت‌های دیگر بتوانند بخشی از خواست‌های خود را تحمیل کنند و اوضاع به سمت ایجاد یک دولت ائتلافی و غیرمذهبی و به درجه‌ای سکولار پیش برود. دولت‌ها و نیروهای درگیر در سوریه می‌توانند با چنین وضعیتی کنار بیایند و علی‌رغم مصالح خود با چنین ائتلاف و چارچوبی به‌ناچار سازش کنند. اینکه بعد از آن اوضاع چه خواهد شد بهتر است پیش‌بینی در مورد آن را به بعدتر موکول کنیم.

جمهوری اسلامی و سوریه

بازنده اصلی سرنگونی بشار اسد اما جمهوری اسلامی است. این حکومت میلیاردها دلار برای حفظ رژیم اسد صرف کرد. ده‌ها هزار نیروی نظامی زنده‌اش را تحت عنوان "مستشار" و غیره به این کشور گسیل کرد. نیروهای اسد را برای جنایت و سرکوب سازمان و آموزش داد. از نظر تبلیغاتی و سیاسی همان‌گونه که در ابتدا اشاره کردم حکومت اسلامی، سوریه را به‌عنوان حیاط‌خلوت و استان سی و پنجم خودش می‌شناخت و معرفی می‌کرد که پای اصلی "محور مقاومت" کذایی‌اش بود. تمام این‌ها با فرار اسد

درهم‌پیچیده شده و نابود شده است. شکست و سقوط اسد در واقع سقوط جمهوری اسلامی در منطقه و در سوریه است. حکومت اسلامی نمی‌تواند به‌سادگی از کنار این واقعه بگذرد و آن‌طور که خامنه‌ای در سخنرانی‌اش وانمود کرد انتظار داشته باشد که باز هم جوانان سوریه بلند شوند و اوضاع را به دست بگیرند. جوانان سوریه فی الحال بلند شده‌اند و سرنگونی اسد و جمهوری اسلامی را وسیعاً با لگدکوب کردن پرچم جمهوری اسلامی و اسد جشن می‌گیرند. حکومت اسلامی دیگر در سوریه نمی‌تواند حضور فعال و برجسته‌ای داشته باشد.

اما جمهوری اسلامی فقط در سوریه سرنگون نشده است. در محدوده کشور ایران نیز این حکومت با سرنگونی روبروست. دیگر قدرت و سیطره سابق خود را نخواهد داشت. صفوفش وسیعاً به هم خواهد ریخت و بحران‌های حادی دامنگیر آن خواهد شد. ریزش نیروهایش گسترش خواهد یافت. مردم در برابر حکومت بسیار متعرض‌تر خواهند شد. هم اکنون خبرهایی از درگیری‌های فیزیکی در میان نیروهای سپاه و بخش‌های دیگر حکومت شنیده شده است. برخی از فرماندهان سپاه به دلیل شکست و ناتوانی در سوریه احضار شده‌اند. از بالای حکومت صدهایی در اعتراف به شکست و ناتوانی حکومت اسلامی شنیده می‌شود. تزلزل در صفوف نیروهای سرکوب حکومت قطعاً وسیع‌تر خواهد شد. این‌ها هنوز شروع یک بحران بسیار وسیع و عمیق و حاد در صفوف حکومت است. سرنگونی بشار اسد شکستی نیست که حکومت اسلامی بتواند آن را زیر فرش کند یا از کنار آن بگذرد. مردم با سقوط اسد روحیه تعرضی بیشتری در برابر حکومت پیدا کرده‌اند. مردم می‌گویند چرا میلیاردها دلار از بودجه کشور را صرف یک حکومت سرکوبگر کرده‌اید. صفوف جمهوری اسلامی در برابر مردم، بی‌روحیه و سرشکسته شده است. تحلیل‌ها این وضعیت به‌سرعت به درهم‌ریختگی صفوف نیروهای سرکوب حکومت و تعرض بیشتر مردم منجر خواهد شد. اختلافات و جنگ و کشاکش‌های درونی‌اش از بالا تا پایین گسترش خواهد یافت و بحرانی بی‌سابقه دامن آن را خواهد گرفت. جمهوری اسلامی گریزی از این وضعیت ندارد. حتی برای دست‌زدن به جنایت و اعدام و سرکوب دستش مثل قبل باز نیست.

سقوط حکومت اسد یعنی پوچ شدن کل تبلیغات و پروژه‌ها و روضه‌خوانی‌های خامنه‌ای و سران سپاه و دیگر سران حکومت. محور مقاومت کذایی حکومت اسلامی در منطقه ازهم‌پاشیده است و بقایای آن در عراق و یمن و کشورهای دیگر نیز به‌سرعت سقوط خواهد کرد. هرچه بیشتر اینها در مورد ادامه "مقاومت" و "قوه و قهر الهی" و امثال اینها نوحه‌سرایی کنند، بیشتر در برابر مردم پوچ بودن نیروی واقعی‌شان برملا می‌شود.

در ادامه انقلاب زن زندگی آزادی و در شرایط فلج و بن‌بست اقتصادی حاکم، فضای جامعه ایران علیه جمهوری اسلامی بسیار تعرضی و اعتراضی است و بخش‌های وسیع کارگران و مردم با اعتراضات و تجمعات و اعتصابات هر روزه خود، برای دستیابی به حقوق خویش به حکومت امان نمی‌دهند. این اعتراضات و اعتصابات نشان از این دارد که دور بعدی جنبش و انقلاب علیه جمهوری اسلامی فراگیرتر و گسترده‌تر خواهد بود و اشکال متنوع‌تری به خود خواهد گرفت. سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران با سرنگونی بشار اسد در سوریه قطعاً متفاوت است. چرا که مردم یکپارچه‌تر و متحدتر و یکدست‌ترند و جنبش و انقلابی را فی الحال تجربه می‌کنند که خواست‌های پیشرو و روشن و مدبرانه دارد و در آن زنان نقش بسیار بارزی دارند. در این کشور امکان توطئه‌گری و جابه‌جایی قدرت از بالای سر مردم بسیار محدود است. چرا که انقلاب و جنبشی عظیم برای گرفتن قدرت از دست جمهوری اسلامی از پایین شکل گرفته است که بسیار متعین و آگاه است. در این فضا سرنگونی یکی از پایه‌های قدرتی و قدرت‌نمایی حکومت اسلامی، یعنی سقوط حکومت اسد در سوریه، انرژی و امید و خوش‌بینی عظیمی را در صفوف مردم دامن زده و نتیجه آن می‌تواند فوران‌های عظیم‌تر بعدی در برابر حکومتی باشد که از نظر سیاسی و اقتصادی و بین‌المللی در وضعیت بن‌بست قرار دارد و از قبل بسیار ضعیف‌تر و روحیه‌باخته‌تر است. سرنگونی حکومت اسلامی با انقلاب مردم می‌تواند بر روند اوضاع در سوریه بعد از سرنگونی اسد نیز بسیار تأثیرگذار باشد.*



پیامدهای سقوط اسد در سوریه و ایران تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با برنامه پاسخ کانال جدید

خامنه‌ای هم می‌داند ترکیه را نمی‌تواند به اسرائیل بچسباند با این همه از سر ناچاری به روال همیشه به تئوری توطئه "دشمنان اسلام" متوسل می‌شود تا شکست‌ها و درماندگی و انزوای حکومتش را به نحوی توجیه کند.

روشن است که نه تنها ترکیه بلکه آمریکا و اسرائیل و دولت‌های منطقه هم از این تحول در جهت منافع خودشان استفاده می‌کنند. هر یک از آنها در پی کسب گسترش نفوذ خود در سوریه بعد از اسد است اما این شرایط به معنای این نیست که بر اساس توطئه و نقشه از پیشی. این دولت‌ها اسد سقوط کرده است. اگر دولت اسد پوشالی و مورد نفرت توده مردم خود سوریه نبود و اگر برای حفظ خودش در قدرت به جمهوری اسلامی و روسیه و حزب الله و امثالهم متکی نبود، دسیسه و نقشه از پیشی. هیچ دولتی نمی‌توانست دهروزه سرنگونش کند.

نکته دیگر اینکه با تلاش ترکیه و یا هر دولت دیگری هم حکومت اسد سقوط کرده باشد نتیجه‌اش این است که یک دیکتاتور جنایت‌کار که با مدد کمک‌های بی‌دریغ رژیم جنایت‌کار دیگری یعنی جمهوری اسلامی بیش از نیم‌میلیون نفر از مردم سوریه را کشته است و بیش از ۱۰ میلیون را آواره و بیخانمان کرده است از صحنه حذف می‌شود. مردم با شادی و پایکوبی و پایین کشیدن مجسمه‌های حافظ اسد و پوسترها و بیلبرودهای حسن نصرالله و قاسم سلیمانی از این اتفاق استقبال می‌کنند، هزاران زندانی که در بدترین شرایط در سیاه‌چال‌های اسد داشتند می‌پوسیدند آزاد می‌شوند، و میلیون‌ها آواره و پناهنده به کشورهای دیگر این امکان را پیدا می‌کنند که به کشور خود بازگردند. به این ترتیب در سوریه بعد از اسد شرایط مساعدتری برای متشکل شدن و به میدان آمدن نیروهای پیشرو و سکولار علیه سلطه مجدد جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش و یا هر شکل دیکتاتوری دیگری به وجود آمده است. و این یک مشکل لاینحل دیگر خامنه‌ای و حکومت او و شأن نزول خزعبلات او است.

ثانیاً ادعای خامنه‌ای در مورد مقابله با داعش نیز تماماً پوچ است. خامنه‌ای تلاش می‌کند جنایات حکومتش در سوریه را تحت عنوان مقابله با داعش توجیه و لاپوشانی کند اما همه می‌دانند که حکومت خامنه‌ای جلاد سوریه بود. کشتار جمهوری اسلامی از مردم سوریه حتی داعش را روسفید می‌کند. خامنه‌ای و

حسن صالحی: خامنه‌ای در صحبت‌های امروز خود (چهارشنبه ۲۱ آذر) سقوط اسد را نتیجه توطئه اسرائیل و آمریکا دانست و در قسمت دیگری از صحبت‌هایش تلاش کرد که مشارکت مستقیم و فعال حکومتش را در سرکوب و کشتار مردم سوریه تحت عنوان مبارزه با داعش توجیه و لاپوشانی بکند. نظر شما در مورد این صحبت‌های خامنه‌ای و کلاشان نزول سخنرانی او چیست؟

حمید تقوایی: این سخنان در واقع تلاش ناموفق و از پیش شکست خورده‌ای بود برای اینکه به نحوی گفته‌های ضدونقیض و بعضاً از سر ناامیدی و یاس و عصبانیت و عصبیت مقامات دیگر حکومتش را به نحوی رفع رجوع کند و به همه نشان بدهد که روی این خط باید صحبت کنند. می‌دانید که بعد از سقوط اسد بعضی نمایندگان مجلس اسلامی از این که ۳۰ میلیارد دلار کمکشان به رژیم اسد دود شد و به نتیجه‌ای نرسید شکایت داشتند، گفتند اشکال اسد این بود که با مردم و نیروهای مخالفش تعامل نکرد. بعضی گفتند به اسد خیانت شد، ارتش سوریه را سرزنش کردند، برخی از انفعال و عدم دخالت سپاه انتقاد کردند و شکایت‌ها و غرولندهایی از این قبیل. خامنه‌ای خواست به نوعی توضیح و توجیه بهتری از این شکست آشکار سیاست‌های حکومتش ارائه بدهد اما حتی از این لحاظ هم حرف‌های مسخره‌تر از نظرات همپالگی‌هایش بود.

اولاً این ادعا که سقوط اسد در اثر توطئه اسرائیل و آمریکا رخ داده کاملاً قابل انتظار بود. خامنه‌ای و حکومتش هر اتفاقی علیه نظامشان را به اسرائیل و آمریکا منتسب می‌کنند. حتی مبارزات مردم ایران و خیزش‌های ۹۶ و ۹۸ و انقلاب زن زندگی آزادی و جنبش علیه حجاب را کار "دشمنان" و "شیطان بزرگ" و "رژیم اشغالگر قدس" می‌دانند. مثل هر دیکتاتوری دیگری نیاز به یک دشمن خارجی دارند تا اعتراضات مردم و انزوا و ضعف و شکست‌های خود را به آن نسبت بدهند.

خامنه‌ای حتی جرئت نمی‌کند اسم ترکیه را بیاورد. در موقعیتی نیست که با دولت ترکیه هم شاخ‌به‌شاخ بشود. می‌گوید یک دولت منطقه‌ای نقش داشت ولی توطئه اصلی کار آمریکا و اسرائیل بود! معلوم نیست دولت ترکیه که در جنگ اخیر خاورمیانه قاطعانه از حماس حمایت کرده است چطور ناگهان عامل اجرای توطئه اسرائیل و آمریکا شده است!

پیامدهای سقوط اسد در سوریه و ایران

از صفحه ۳

کاملاً بی‌دفاع بماند و در برابر حمله نیروهای مخالفش به سرعت سقوط کند.

حسن صالحی: جریان اسلامی هیئت تحریر شام نقش مهمی در فتح دمشق داشت و الان عملاً حکم‌فرمایی می‌کند. آیا این آغاز سلطه نوع دیگری از نیروهای اسلامی در سوریه نیست؟

حمید تقوایی: هیئت تحریر شام متعلق به شاخه سنی اسلام سیاسی است که سابقه‌اش به القاعده می‌رسد. اما فرق اساسی این گروه با امثال القاعده و داعش این است که عرصه فعالیت خود را به سوریه محدود کرده است و ادعای توسعه حکومت اسلامی به کشورهای دیگر را ندارد. به همین دلیل اینها از مقطعی رابطه خود با القاعده را قطع کردند.

جنبه مهم دیگر مخالفت و دشمنی این نیرو با حزب‌الله و خواست خروج آن از سوریه بوده است. از این‌رو اسرائیل ستیزی و آمریکایی ستیزی هم لاف‌لاقی در گفتارها و تبلیغاتشان خیلی کم‌رنگ است. بخصوص بعد از سقوط اسد این نیرو تلاش کرده است تصویری امروز و مدرن‌تر از سایر نیروهای اسلامی از خود به دست بدهد. از جمله اعلام کرده‌اند امرشان دخالت دادن همه نیروهای مخالف اسد در دولت آتی سوریه از طریق انتخابات است. و یا اعلام کرده‌اند هیچ‌کس حق ندارد در نوع لباس زنان دخالت کند. تا کنون هم با اعدام‌ها و کشتارهایی که معمولاً نیروهای اسلامی مسلط بر یک منطقه، مثل طالبان در افغانستان و داعش در شهر موصل، مرتکب می‌شوند مواجه نیستیم. ساختمان دولتی سوریه را حفظ کرده‌اند و با نخست‌وزیرش وارد تعامل و گفتگو در مورد چگونگی گذار و انتقال قدرت شده‌اند و غیره.

اینها همه نشان می‌دهد که این شاخه اسلامی که روی کار آمده هر سابقه و اهداف ارتجاعی ای نمی‌تواند از نظر سیاسی جهت‌گیری نوع داعش و القاعده و جمهوری اسلامی را اتخاذ کند. علت اصلی علاوه بر جنبه‌هایی که گفتم این است که رژیم اسد جزئی از کمپ اسلام سیاسی نوع جمهوری اسلامی، یعنی غرب‌ستیزی و تخاصم با شیطان بزرگ و رژیم اشغالگر قدس بود، و هیئت تحریر شام و نیروهای دیگر در مقابله با چنین خط و جهتی و به‌عنوان اپوزیسیون آن به قدرت رسیده‌اند؛ بنابراین نمی‌توانند همان سیاست را ادامه بدهند. چون می‌دانند ادامه خط اسد و بلوکش هیچ اعتبار و وجهتی در جامعه سوریه و حتی در نزد دولت ترکیه برایشان باقی نمی‌گذارد، دولت‌های جهانی علیه‌شان بسیج می‌شوند و غیره. همه این ملاحظات باعث می‌شود تا اینها در اسلامیزه کردن جامعه سوریه دستشان بسته باشد.

با این حال این امر ممکن است. در تحلیل نهایی نیروی اصلی که می‌تواند جلوی اسلامیزه شدن جامعه سوریه را بگیرد نیروی مردم سوریه و متشکل شدن آنان حول پرچم خواست‌های انسانی است. خواست‌هایی مدرن مترقی و سکولار. تحقق آزادی‌های سیاسی و مدنی و غیره و غیره. مثلاً باز شدن در زندان‌ها و آزادی زندانیان سیاسی باید تبدیل شود به خواست توقف هر نوع زندان و جرم سیاسی - عقیدتی در سوریه. رژیم اسد عیناً مانند حامی خود رکورد بالایی در اعدام مخالفان خود داشت. این را استادش جمهوری اسلامی به او آموخته بود که چطور می‌توان با اعدام سرکوب و مرعوب کرد. باید با خواست ممنوعیت مجازات اعدام به میدان آمد و اجازه نداد نیروهای تازه به‌قدرت‌رسیده دوباره به اسلحه اعدام، حتی علیه بازماندگان رژیم اسد متوسل بشوند. اینها جهت‌گیری و ایشیوها و مضامینی است که هر چه گسترده‌تر و فعال‌تر نیروهای مترقی و توده مردم حولش متشکل شوند و به خودشان سازمان بدهند، با قدرت بیشتری خواهند توانست از هر نوع اسلام‌گرایی در حکومت جدید جلوگیری کنند.

این را هم بگویم که نیروهای دیگری هم با عنوان "قسد" یا نیروهای دموکراتیک

ادامه در صفحه ۵

حکومتش سال‌ها قبل از سر بلند کردن داعش، در کشتار مردم به‌پاخاسته سوریه در سال ۲۰۱۱ نقش جلاد مردم سوریه را ایفا کردند و از آن زمان تا امروز به این نقش جنایت‌کارانه خود ادامه داده‌اند. سقوط اسد به معنی قطع این روند سرکوب و جنایت، پایان اعمال نفوذ جمهوری اسلامی در سوریه و تضعیف هرچه بیشتر او در کل منطقه است. خشم و ناراحتی خامنه‌ای و حکومتش از سقوط اسد نیز دقیقاً به همین دلیل است.

اما داستان نخ‌نمای توطئه اسرائیل و آمریکا و یا کشتار مردم سوریه را به حساب مقابله با داعش گذاشتن حتی خود مقامات حکومتی را که در این روزها از به هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های مالی‌شان و مجاهدت‌های قاسم سلیمانی و سپاه قدس در حمایت از رژیم اسد شکایت می‌کنند را نمی‌تواند قانع کند.

حسن صالحی: تحولاتی که در سوریه اتفاق افتاد خیلی سرعت داشت و کسی انتظار نداشت حکومت بشار اسد به این سرعت سقوط کند. علت این مسئله شما به نظر شما چیست؟

حمید تقوایی: علت اساسی این است که نیروی که بشار اسد را در قدرت نگه داشت بود نه مردم سوریه بودند و نه حتی ارتش سوریه. نیروی نگهدارنده رژیم اسد جمهوری اسلامی و دولت روسیه و بخصوص کمک‌های بی‌دریغ سیاسی مالی و نظامی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی بود. اگر این کمک‌ها نبود در همان سال ۲۰۱۱ مردم به‌پاخاسته سوریه می‌توانستند رژیم اسد را سرنگون کنند.

از آن زمان تا امروز تمام اتکای رژیم سوریه به حمایت بی‌دریغ جمهوری اسلامی بوده است. همانطور که اشاره کردم خود مقامات حکومت خامنه‌ای از کمک ۳۰ میلیارد دلاری به رژیم اسد صحبت می‌کنند. در ویکی‌پدیا این مبلغ بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار تخمین زده شده. همچنین گفته شده که علاوه بر این مبلغ، جمهوری اسلامی بیش از ۲۰ هزار دلار کمک‌های تسلیحاتی و نظامی در اختیار ارتش و نیروهای سرکوب رژیم اسد قرار داده است. یعنی از ۲۰۱۱ تا امروز بیش از ۷۰ میلیارد دلار از جیب مردم ایران برای حفظ دیکتاتوری اسد هزینه شده است. این کمک نجومی همراه بوده است با اعزام نیروی سپاه قدس و حزب‌الله و دیگر نیروهای نیابتی رژیم مانند فاطمیون از پاکستان و افغانستان و غیره به سوریه علیه مردم و نیروهای اپوزیسیون در آن کشور. همچنین خود حکومت از اعزام مشاور و کمک‌های مشورتی صحبت می‌کند. مشورت در کشتار و سرکوب مردم و انتقال تجربه سرکوب در ایران علیه مردم سوریه. در واقع می‌توان گفت کل دستگاه سرکوب رژیم اسد و اساساً سلطه و بقای آن با هزینه و کمک مستقیم نیروهای مسلح وابسته به جمهوری اسلامی امکان‌پذیر شده بود.

با درگیری روسیه در جنگ اوکراین و بخصوص تضعیف شدید نیروهای محور مقاومت در جنگ جاری خاورمیانه و ورشکستگی مالی حکومت و درماندگی‌اش در مقابله با خیزش مردم ایران این نیروها امکان حمایت فعال حکومت اسد را از دست دادند و در نتیجه رژیم پوشالی اسد مثل یک خانه کاغذی فرو ریخت. عاملی که در این فروریزی نقش فعالی داشت دولت ترکیه بود که از مدت‌ها قبل با هدف بسط نفوذ خود در سوریه و مقابله با نیروهای مسلح کرد در شمال آن کشور آموزش و تجهیز نیروهای ارتش ملی سوریه (جیش الوطنی) را دنبال می‌کرد.

مجموعه این شرایط، یعنی از یک سو مجهز و آماده‌بودن نیروهای مسلح مخالف بشار اسد به کمک ترکیه و از سوی دیگر ضعف و ناتوانی بیش‌ازپیش جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش باعث شد دولت اسد

پیامدهای سقوط اسد در سوریه و ایران

از صفحه ۴

خیزش‌های اعتراضی علیه اسلاميون در عراق با شعار نه شیعه نه سنی جامعه مدنی و یا در لبنان علیه حزب‌الله.

با ارتباط و جلب حمایت این نیروها مردم سوریه می‌توانند با پرچم سکولاریسم حمایت جهانی کسب کنند. می‌دانید که منشأ شعار زن ژیان آزادی نیروهای کرد سوریه بودند که الان یک پای حکومت جدید سوریه هستند. اینها فاکتورهایی است که می‌تواند زمینه‌ساز مقابله با سر بلند کردن احتمالی نیروهای اسلامی در سوریه باشد. مردم سوریه و نیروهای مترقی و چپ و انسانی در سوریه می‌توانند و باید حول سکولاریسم، حول آزادی‌های بی‌قید و شرط، حول ممنوعیت اعدام، حول برابری بی‌قید و شرط زن و مرد، و خواست‌های انسانی و پیشرویی از این قبیل نیروی خود را سازمان بدهند و به‌عنوان سدی در برابر احیای نیروهای اسلامی و یا تقابل دارودسته‌های مذهبی و فرقه‌ای با یکدیگر عمل کنند. بخصوص سکولاریسم و حقوق زن بسیار تعیین‌کننده است. حول این‌ها باید انواع شبکه‌ها، تشکل‌ها، نهادها شکل بگیرد. الان که هنوز دولت جدید آن‌طور تثبیت نشده و یک نوع آزادی‌های دوفاکتو وجود دارد وقت آن است که بتوانند این نیروها فعال شوند و به میدان بیایند. شبکه‌هایی با اتکا به مدیای اجتماعی سازمان بدهند، با نیروی مترقی در ایران در ارتباط قرار بگیرند، حمایت شوند، کمک بگیرند، انظار جهانی را به خود جلب کنند و به این ترتیب اجازه ندهند دوباره نوع دیگری از نیروهای اسلامی در سوریه میدان‌دار شوند. این امکان هست و حزب ما و نیروهای مترقی سیاسی در ایران وظیفه دارند با تمام توان به این روند کمک کنند.

حسن صالحی: مردم در ایران مثل مردم سوریه از سقوط حکومت اسد خیلی خوشحال شدند. چون رژیم اسد یک پایگاه مهم نیروهای اسلامی و نیابتی حکومت در منطقه بود و طبعاً مردم فروپاشی آن را نشانه ضعف جمهوری اسلامی و عامل تضعیف بیشتر او می‌دانند. این تحول در فضای سیاسی ایران تأثیر زیادی دارد. امروز حتی خامنه‌ای گفت توی دل مردم ایران را نباید خالی بکنید که منظورش خالی شدن دل نیروهای حکومتی بود، گفت صحبت از ضعف محور مقاومت جرم محسوب می‌شود و غیره.

ارزیابی شما از تأثیرات تحولات سوریه در فضای سیاسی ایران چیست؟ چگونه مردم می‌توانند از این فرصت برای پیشبرد مبارزات خودشان استفاده کنند؟

حمید تقوایی: به نظر من این شرایط یک فرصت بسیار مغتنم و طلایی برای مردم ایران است. قبلاً هم در نوشته‌های دیگری در این مورد گفته‌ام که سقوط اسد در واقع سقوط جمهوری اسلامی در سوریه بود. منظورم این است که جمهوری اسلامی بخش مهمی از دستگاه سرکوب اسد بود؛ محور و ستون خیمه حکومت اسد بود و با سقوط اسد این ستون نیز در هم شکست.

همانطور که خیلی از تحلیلگران و ناظرین سیاسی هم معتقدند بعد از خیزش مردم سوریه در سال ۲۰۱۱ رژیم اسد بدون حمایت فعال و همه‌جانبه جمهوری اسلامی نمی‌توانست در قدرت بماند. بازوی سرکوب خیزش ۲۰۱۱ مردم سوریه و نیروهای مخالف حکومت اسد، کمک‌های تسلیحاتی و مالی ده‌ها میلیارد دلاری جمهوری اسلامی و نیروی نظامی سپاه قدس و حزب‌الله و نیروهای اسلامی نظیر فاطمیون بود که جمهوری اسلامی از پاکستان و افغانستان به سوریه گسیل می‌کرد. وقتی اسد سقوط کرد این ماشین کشتار و سرکوب جمهوری اسلامی در یک کشور دیگر هم فروریخت. آوار این ریزش بر سر حکومت در خود ایران نیز فرود می‌آید.

کشتار مردم، اعدام‌ها، ارباب، بازداشت‌های فله‌ای و شکنجه و سرکوب وحشیانه، همان شیوه و سیاست همیشگی جمهوری اسلامی علیه مردم ایران که در سوریه و با هدف حفظ قدرت بشار اسد اعمال شد، بخش

سوریه، که نیروهای کرد رهبری‌اش را در دست دارند، در میان براندازان رژیم اسد هستند که سکولارزند و در مقایسه با نیروهای دیگر مترقی و مدرن هستند. مثلاً در مبارزه موفقشان علیه داعش در کوبانی و یا موقعیتی که زنان در میان نیروهای کرد در فعالیت نظامی و اداره امور دارند این جنبه‌های مدرن و مترقی را می‌بینیم. باید امیدوار بود و تلاش کرد که این نیروها هم موقعیتشان در جامعه و حکومت طوری باشد که اجازه ندهد گروهی مثل تحریر شام فیلش یاد هندوستان کند و به فکر پیاده کردن قوانین اسلامی بیفتد. اینها شرایطی هست که می‌تواند آینده سوریه را امیدبخش کند.

حسن صالحی: بعضی‌ها می‌گویند خب خمینی هم قبل از رسیدن به قدرت خیلی وعده وعید می‌داد. مثال در مورد حجاب زنان چیزی نمی‌گفت و یا ضدآمریکایی‌گری‌اش هم زیاد برجسته نبود. آیا مواضع امروزی هیئت تحریر شام هم نمی‌تواند چنین حالتی داشته باشد؟

حمید تقوایی: خمینی نقطه شروع جنبش اسلام سیاسی بود. جنبشی که هنوز عمق جنایات و توحشش را کسی ندیده بود. وقتی خمینی روی کار آمد هنوز اعدام‌های فله‌ای و ترورها و قتل‌های زنجیره‌ای و اسیدپاشی به‌صورت زنان و شلیک موشک به هواپیمای مسافربری و مسموم‌سازی دختران دانش‌آموز و شلیک به چشم‌ها و هزار و یک فاجعه دیگر رخ نداده بود. و در برابر این توحش خیزش زنان علیه حجاب اجباری در همان اسفند ۵۷ وقتی هنوز یک ماه هم از عمر رژیم اسلامی نگذشته بود، اتفاق نیفتاده بود و خیزش‌های ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ و انقلاب زن زندگی آزادی شکل نگرفته بود. هنوز تروریسم اسلامی سرپنجه‌های خونینش به پایتخت‌های اروپایی نرسیده بود و هنوز جمهوری اسلامی و حزب‌الله و حماس دیگر نیروهای نیابتی‌اش این چنین در دنیا رسوا و بی‌اعتبار نشده بودند. و هنوز نفرت عمومی حتی در عراق و لبنان و دیگر کشورهای اسلام‌زده علیه اسلاميون وجود نداشت.

هیچ‌یک از این حوادث وقتی خمینی به قدرت رسید هنوز رخ نداده بود. دنیا نمی‌دانست حکومت اسلامی یعنی چه. البته اندیشمندان و صاحب‌نظران و نیروهای چپ می‌دانستند حکومت مذهبی به چه معناست. ولی در سطح افکار عمومی جامعه این امر روشن نبود.

امروز باد از سوی دیگری می‌وزد. امروز کاملاً جهت افکار عمومی عوض شده و جنبش اسلامی سیاسی در ضعیف‌ترین و رسواترین و منزوی‌ترین موقعیت قرار گرفته است.

به همین دلیل نیروی مثل تحریر شام برای تثبیت قدرت خود ناگزیر است از القاعده و داعش و جمهوری اسلامی فاصله بگیرد.

حسن صالحی: در پاسخ سؤالات قبلی شما اشاره کردید مردم سوریه می‌توانند جلوی رشد نیروهای اسلامی را بگیرند. ولی بالاخره الان خطر جنگ داخلی وجود دارد، خطر قدرت‌گرفتن نیروهای اسلامی وجود دارد. مردم سوریه در عین خوشحالی و استقبال از سقوط اسد نگران هستند و نمی‌دانند آینده چه خواهد شد. سؤال من این است که مردم چه باید بکنند تا از قدرت‌یابی جریانات ارتجاعی جلوگیری بکنند؟

حمید تقوایی: این خطر را به نظر من فقط توده مردم سوریه می‌توانند خنثی کنند اساساً با اتکا به حمایت جهانی و جنبش جهانی‌ای که علیه جمهوری اسلامی و نیروهای اسلامی وجود دارد؛ با اتکا به حتی مقابله بعضی دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی مثل عفو بین‌الملل و نهادهای حقوق بشری و غیره با جریانات ارتجاعی اسلامی و حکومت اسلامی در ایران؛ و به‌ویژه با اتکا به جنبش‌هایی مثل انقلاب زن زندگی آزادی و یا

صرفه‌جویی کنید و بعد معلوم می‌شود ۷۰ میلیارد دلار، یعنی ۴۹۷۰۰۰ میلیارد تومان، از بودجه دولتی صرف دفاع از یک حکومت ارتجاعی و آدمکش شده است.

تأثیر این شرایط بر صفوف داخلی حکومت به زیر سؤال رفتن سیاست غرب‌ستیزی و محور مقاومت و تئوریه خامنه‌ای در میان دار و دسته‌های حکومتی، حتی از جانب اصول‌گرایان و طرفداران سنتی خامنه‌ای است. علناً از بی‌نتیجه بودن میلیاردها دلاری که بپای رژیم اسد ریخته‌اند انتقاد می‌کنند و از ضرورت تعامل با غرب و حتی با ترامپ و از به سر رسیدن "پارادایم کهنه" غرب‌ستیزی سخن می‌گویند. صفوف حکومت هیچگاه چنین به‌هم‌ریخته و نگران و نومید از آینده نبوده است. این یک بحران مقطعی و گذرا نیست. یک بحران هویتی و استراتژیک برای حکومتی است که بندنافش با مرگ بر شیطان بزرگ بریده شده است.

اینها همه مضامین و مسائلی هست که می‌تواند به شکل چاشنی تازه‌ای برای گسترش انقلاب و شعله‌ور شدن اعتراضات خیابانی و اعتصابات عمل کند. بخصوص در خارج کشور باید بیش‌ازپیش بر انزوای جهانی و بایکوت جهانی و محکومیت مقامات جمهوری اسلامی به‌عنوان جنایت‌کاران علیه بشریت، نه‌تنها در ایران بلکه هم چنین در سوریه و در دیگر کشورهای منطقه، متمرکز بشویم. فی‌الحال پرونده جنایت حکومت اسلامی روی میز نهادهای مدافع حقوق بشر و عفو بین‌الملل و حتی برخی از احزاب حکومتی و پارلمان‌ها در اروپا باز شده است. اکنون مطرح و افشاشدن جنایت‌های حکومت اسد که یک شریک جرم مهمش جمهوری اسلامی است این پرونده را قوی‌تر می‌کند. جنایتی که قرار بود به حفظ حکومت جمهوری اسلامی کمک کند، اکنون به پاشنه آشیل حکومت تبدیل شده است.

حزب ما تمام امکانات خود را به کار می‌گیرد که بر متن شرایطی که سقوط اسد ایجاد کرده در داخل و در خارج کشور تعرض به جمهوری اسلامی گسترده‌تر شود، فضا و عرصه هر چه بیشتر بر جمهوری اسلامی تنگ‌تر گردد و شرایطی فراهم شود تا انقلاب زن زندگی آزادی بتواند ضربه نهایی را به جمهوری اسلامی فرود بیاورد.

۲۳ آذر ۱۴۰۳، ۱۳ دسامبر ۲۰۲۴

کل هزینه ماشین دولتی و ارتش و سیستم

اداری بورژوازی، کل هزینه نهادهای

ایدئولوژیکی و فرهنگی جامعه بورژوازی و

خرج خیل عظیم کسانی که از طریق این نهادها

قدرت بورژوازی را حفظ و حراست می‌کنند، از

همین منبع (یعنی با کار کارگر) تأمین می‌شود.

طبقه کارگر با کار خود خرج طبقه حاکمه،

خرج انباشت روزافزون سرمایه و هزینه سلطه

سیاسی و فرهنگی و فکری بورژوازی بر خود

و بر کل جامعه را می‌پردازد.

(از برنامه یک دنیای بهتر)

پیامدهای سقوط اسد در سوریه و ایران

از صفحه ۵

قطوری از پرونده جنایات مشترک اسد - خامنه‌ای است. به همین خاطر است که مردم سوریه در کنار پایین کشیدن مجسمه‌های حافظ اسد، بیلبوردهای عکس قاسم سلیمانی و حسن نصرالله را هم پایین کشیدند و به سفارت جمهوری اسلامی حمله کردند. حتی به این معنی سمبلیک هم این حرکت به معنی سرنگونی جمهوری اسلامی در سوریه بود. اتفاقی که فردا در خود ایران رخ خواهد داد.

تأثیر این تحول در ایران این است که اولاً مردم را بسیار با روحیه تر و معترض‌تر و امیدوارتر می‌کند. مردم از تجربه سوریه نیرو می‌گیرند و عزم جزم می‌کنند که بزودی حکومت اسلامی سرنگون شده در سوریه را اینجا نیز، به قدرت انقلاب خودشان، سرنگون کنند، در زندان‌ها را بشکنند، عکس‌ها و بیلبوردهای حکومتی را پایین بکشند و خواهان بازگرداندن و محاکمه سران فراری جمهوری اسلامی بشوند.

ثانیاً پیامدهای سقوط اسد مثل باز کردن پرونده جنایات دیکتاتوری او و تحت تعقیب و محاکمه قراردادن او و سران حکومتش که در سطح جهانی مطرح شده - همین دیروز دولت تازه به‌قدرت‌سیده سوریه اعلام کرد این جنایت‌کاران را نمی‌بخشیم و تحت تعقیب قرار می‌دهیم - گریبان جمهوری اسلامی را هم می‌گیرد. جزئی از جنایت‌کاران سوریه الان در ایران در قدرت هستند. یکی از کسانی که دستش تا آرنج به خون مردم سوریه آلوده است و باید به‌خاطر جنایتش در سوریه نیز مورد تعقیب قرار بگیرد خامنه‌ای است.

این شرایط فضا و عرصه تازه‌ای را برای مبارزه و برای انقلاب زن زندگی آزادی باز می‌کند. باید به دنیا و همه نیروهای مترقی و پیشرو که می‌خواهند پرونده جنایات حکومت اسد را روی میز بگذارند و جنایات آن حکومت را بررسی کنند، جلوی چشم مردم افشا کنند، و محاکمه‌شان کنند اعلام کرد که بخش قطوری از این پرونده متعلق به خامنه‌ای و سران سپاه و حکومت جمهوری اسلامی است.

این عرصه‌ای است که می‌تواند به نظر من جبهه تازه‌ای در مبارزه علیه جمهوری اسلامی باشد. مردم ایران می‌توانند سقوط جمهوری اسلامی در سوریه را تبدیل کنند به تعرض تازه و قدرتمندی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در خود ایران. این امر بسیار تسهیل می‌شود. در فضای بعد از سقوط اسد مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی به طور بسیار فعال‌تر و تعرضی‌تر و گسترده‌تری می‌تواند به‌پیش برود.

در این میان نقش نیروهای مثل حزب ما این است که در داخل کشور و در خارج کشور هر چه بیشتر مبارزات مردم را در این جهت تقویت و تعمیق کنیم. فی‌الحال جامعه گام‌هایی در این جهت به‌پیش برداشته است.

ببینید جمهوری اسلامی بیش از ۷۰ میلیارد دلار خرج کشتار در کشوری کرده است که حکومتش ساقط شده است. این مبلغ نجومی از جیب مردم ایران هزینه شده. تعرض به این بودجه نجومی جنگ و جنایت حکومت نیز می‌تواند و باید گسترده‌تر شود.

این حرکت فی‌الحال شروع شده است. مردم در پاسخ به موشک‌پرانی‌های خامنه‌ای به اسرائیل شعار دادند که جنگ افروزی کافیه سفره ما خالیه. گفتند موشک‌های خامنه‌ای بر سفره ما فرود می‌آید. الان معلوم می‌شود که در چه ابعاد نجومی ای از سفره مردم ایران دزدیده شده و صرف چه جنایات وحشتناکی در سوریه شده است.

از سوی دیگر وضع اقتصادی ایران در حالت انفجاری است. حکومت مدام دارد به بازنشستگان و پرستاران و کارگران و در توجیه قطع برق و یارانه‌ها و گرانی نان و بنزین و غیره می‌گوید پول نداریم، بودجه نداریم،

فراخوان به مردم آزاده ایران

اسد رفت، جمهوری اسلامی هم باید برود!

عروج انقلاب برای جارو کردن بساط حکومت را تسریع کرده است. اگر آینده سوریه نامشخص است اما آینده ایران کاملاً روشن است. جمهوری اسلامی با انقلاب ما مردم سرنگون خواهد شد. انقلابی زنانه، آزادی‌خواهانه، ضداسلامی و برای رفاه و آزادی. وجود یک جامعه مدرن و تشنه رفاه و آزادی، وجود جنبش عظیم ضداسلامی، جنبش عظیم رهایی زن، جنبش‌های اجتماعی آزادی‌خواهانه‌ای مانند علیه اعدام، جنبش گسترده معیشت و رفاه، خشم و اعتراض عمومی علیه فقر و فساد و حکومت مفت‌خوران اسلامی و در یک کلام اتحاد مردم حول مطالباتی عمیقاً انسانی و برابری‌طلبانه آینده روشنی را مقابل مردم ایران قرار داده است. با سرنگونی اسد روند انقلاب در ایران پرشتاب‌تر خواهد شد. نباید اجازه دهیم قاتلان و فاسدان اسلامی حاکم در ایران فرصت بخرند. وقت وارد کردن ضربه نهایی برای به زیر کشیدن حکومت فرارسیده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ آذر ۱۴۰۳، ۸ دسامبر ۲۰۲۴

با سقوط دیکتاتوری بشار اسد آخرین سنگر منطقه‌ای جمهوری اسلامی فرو ریخت و حکومت اسلامی شکست مهلکی را متحمل شد. با سرنگونی حکومت ارتجاعی سوریه تحولاتی که از ۷ اکتبر در منطقه شروع شده بود وارد نقطه عطف تازه‌ای شد که اساس آن را در هم شکستن نیروهای جنبش اسلامی و شکست استراتژیک جمهوری اسلامی تشکیل می‌دهد. این تحولات جمهوری اسلامی را در بحرانی‌ترین و ضعیف‌ترین دوران حیاتش قرار داده و زمینه را برای به سرانجام رساندن انقلاب ناتمام زن زندگی آزادی تماماً آماده کرده است.

شکست همه‌جانبه جمهوری اسلامی در سیاست‌های منطقه‌ای و داخلی، انزوای جهانی آن، شکست همه‌جانبه طرح و قانون حجاب و عفاف به‌عنوان مهم‌ترین سنگر سیاسی و ایدئولوژیک نظام، رشد و گسترش اعتراض بخش‌های مختلف جامعه که این روزها بار دیگر سیر صعودی قابل‌توجهی یافته است و ورشکستگی اقتصادی زلزله‌ای را در صفوف به‌هم‌ریخته خود حکومت دامن خواهد زد. این شکست‌ها قبل از هر چیز دامن خامنه‌ای را می‌گیرد که مسئول مستقیم همه آنها بوده است. این فاکتورها روند تجزیه جمهوری اسلامی، فروپاشی از درون و



چه خرافات مذهبی و چه مقدسات ناسیونالیستی ربطی به خواسته‌های مردم ندارد. مردم، همانطور که انقلاب زن زندگی آزادی اعلام کرده است، از نظر رفاهی، از نظر آزادی‌های مدنی و غیره خواستار حقوق مسلم انسانی خودشان هستند و همیشه با پرچم ناسیونالیسم و مذهب، با شعار "خدا شاه میهن" سرکوب شده‌اند. در واقع می‌توان گفت که از نظر مقدسات و تابوهای ملی میهنی - مذهبی جمهوری اسلامی و سلطنت کنار هم هستند، و گرچه تاکیدات متفاوتی دارند، یکی بیشتر بر مذهب تاکید دارد و دیگری بر ناسیونالیسم، ولی در اساس یک خط را نمایندگی می‌کنند.

(حمید تقوایی: روسیه، جمهوری اسلامی ۷ و مساله سه جزیره)

بیانه حزب کمونیست کارگری

در باره سقوط بشار اسد و موقعیت جمهوری اسلامی

هیئت تحریر شام یک جریان اسلامی است و به صرف ایدئولوژی اسلامی اش پتانسیل بالایی برای اعمال احکام اسلامی ضدانسانی بر زندگی مردم و پایمال کردن حقوق مردم دارد اما اظهارات و رفتارهای تاکتونی اش حاکی از این است که می‌داند برای جاری کردن احکام اسلامی با موانع سیاسی و اجتماعی در سوریه و در منطقه مواجه است و از همین‌الان مجبور شده است به مردم اطمینان دهد که قصد ندارد طوری رفتار کند که مردم از جریانات اسلامی انتظار دارند.

مهم‌ترین و اصلی‌ترین مانع در مقابل جریانات اسلامی چه شیعی و چه سنی، شکست‌های سنگینی است که اسلام سیاسی در منطقه متحمل شده است. جدا از اینکه در سال‌های گذشته در افغانستان و عراق و سایر کشورهای منطقه فضای اجتماعی سرشار از مقاومت در مقابل تعرض اسلام به زندگی مردم بوده است، در ایران انقلاب بزرگی برای ساقط کردن حکومت اسلامی و پایان دادن به دخالت قوانین اسلامی در زندگی مردم در جریان است که مایه امید میلیون‌ها انسان در منطقه شده است. انقلابی که نشان داد که دوره پارادایم "زن زندگی آزادی" آغاز شده است و فضا برای یکه‌تازی جریانات اسلامی بسته شده است. حتی سرسخت‌ترین جریانات متحجر اسلامی هم با رصد کردن انقلاب مردم ایران علیه حاکمیت اسلامی متوجه موج قدرتمند مقاومت و مبارزه علیه تحجر اسلامی شده‌اند. رفتار تاکتونی تحریر شام نشان می‌دهد که می‌داند دوران یکه‌تازی اسلام سیاسی پایان یافته است. ژست‌هایی که تحریر شام می‌گیرد فقط خدعه سیاسی برای تثبیت قدرت نیست. نشانه‌ای از موقعیت نزار نیروهای اسلامی در منطقه و قدرت مردم سکولار علیه جریانات اسلامی است. تعجب آور نیست که هیئت تحریر شام، بقایای داعش که راه‌انداختن بازار فروش زنان به‌عنوان برده را در کارنامه جنایت‌کارانه‌اش دارد، امروز مجبور شده است اعلام کند دخالت در نوع پوشش زنان ممنوع است!

علی‌رغم همه اینها، باتوجه به ماهیت اسلامی نیروهای جایگزین بشار اسد، باتوجه به نقش دولت‌های ارتجاعی منطقه و قدرت‌های جهانی از جمله آمریکا و روسیه برای تأمین حضور خود در آینده سیاسی سوریه، آینده مردم سوریه در ابهام است. اما آنچه روشن است این واقعیت است که با پایان دیکتاتوری بشار اسد، زیر پای جمهوری اسلامی به‌مثابه رأس اسلام سیاسی در منطقه تماماً خالی شده است و عملاً یک مانع مهم در مقابل نیروهای انقلابی و سکولار منطقه درهم‌شکسته است. این شرایط زمینه مساعدی برای مقابله فعال نیروهای سکولار و مترقی در سوریه در برابر هر نوع اسلام‌گرایی حاکمین تازه فراهم می‌کند.

سقوط بشار اسد بی‌تردید مردم ایران را در موقعیت بسیار مناسبی برای ادامه انقلاب زن زندگی آزادی قرار داده است. انقلابی که با پیروزی اش شهروندان ستمدیده سوریه که تشنه رهایی از هر نوع دیکتاتوری از جمله دیکتاتوری اسلامی هستند را در موقعیت بهتری قرار می‌دهد تا برای استقرار نظامی مبارزه کنند که در آن سکولاریسم، آزادی، برابری و رفاه همه شهروندان قانون حاکم بر جامعه باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ آذر ۱۴۰۳، ۱۰ دسامبر ۲۰۲۴

با سقوط بشار اسد یکی دیگر از سفاک‌ترین دیکتاتورهای تاریخ از صحنه سیاسی منطقه حذف شد. با فرار بشار اسد به روسیه، مردم ایران نیز مانند مردم سوریه غرق در شادی شدند. برای مردم ایران، سقوط اسد بشارت‌دهنده سقوط خامنه‌ای است که همراه بشار اسد دستش به خون مردم به‌پاخاسته سوریه آغشته است. مردمی که ۱۳ سال پیش بپا خاستند تا از شر دیکتاتور سوریه رها شوند. دیکتاتوری ساقط شده است که انقلابشان را با کمک و حمایت بی‌دریغ جمهوری اسلامی، که خود در کشتار مردم ایران ید طولایی دارد، با قساوت تمام در هم کوید. فروریختن بمب‌های بشکه‌ای بر سر مردم، حمله شیمیایی، ویرانی بخش اعظم کشور، بیش از پانصد هزار نفر کشته و نزدیک به ده میلیون نفر آواره و بی‌خانمان، و حبس و شکنجه دهها هزار نفر زندانی در سیاه‌چال‌های مخوف، ثمره توحش مشترک جمهوری اسلامی و دولت بشار اسد در دوره بعد از انقلابات بهار عرب است. فروپاشی حکومت اسد در واقع فروریختن بخشی از ماشین سرکوب و کشتار جمهوری اسلامی نیز هست.

در سطح منطقه‌ای سقوط اسد ضربه مهلک دیگری به نفوذ جمهوری اسلامی است. "محور مقاومت" در استراتژی منطقه‌ای جمهوری اسلامی نقش حیاتی داشت. بعد از حماس و حزب‌الله، بشار اسد به‌مثابه رکن دولتی این محور جنایت اسلامی نقش مهمی ایفا می‌کرد. از نظر جمهوری اسلامی، سوریه استان ۱۳۵م محسوب می‌شد که نباید از دست برود و در همین جهت حکومت اسلامی برای نجات بشار اسد از انقلاب مردم سوریه، دهها میلیارد دلار هزینه کرد و سپاه قدس را به کمک او فرستاد تا مردم به‌پاخاسته سوریه را باهم کشتار کنند.

تا آنجا که به مسئله فلسطین مربوط می‌شود نیز سقوط اسد تحول مثبتی است. خامنه‌ای دولت سوریه و بشار اسد را "خط مقدم مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی" می‌دانست. با سقوط بشار اسد این خط مقدم درهم‌شکسته است، محور مقاومت فروپاشیده است، جمهوری اسلامی بیش‌ازپیش در منطقه منزوی شده است، و در نتیجه فضای تقابل نیروهای اسلامی و جریانات دست راستی در اسرائیل، که آن روی سکه و ورژن یهودی فاشیسم اسلامی هستند، هم تنگ‌تر شده و زمینه برای نیروهای چپ، مترقی و سکولار در منطقه فراهم شده است تا در مقابل جریانات اسلامی و نیروهای دست راستی حاکم در اسرائیل، مجدداً برای راه‌حل انسانی مسئله فلسطین، برای طرح دو دولت به میدان بیایند.

سقوط بشار اسد با پیشروی برق‌آسای نیروهای مسلح مخالف بشار اسد و در رأس آنها "هیئت تحریر شام" رخ داد. دولت ترکیه در تجهیز و تسلیح بخش مهمی از این نیروها نقشی اساسی داشت اما زمینه و شرایط سقوط اسد و حتی فعال شدن دولت ترکیه را تضعیف سه حامی اصلی دولت اسد فراهم آورد. روسیه که در باتلاق اوکراین دست‌وپا می‌زند عملاً پشت اسد را خالی کرد. زیر پای جمهوری اسلامی در ایران داغ است و شبح سرنگونی مدام بالای سرش چرخ می‌زند و خودش به ناچی احتیاج دارد. حزب‌الله هم در وضعیتی است که نمی‌داند پیکر نیمه‌جانیش را چگونه نجات دهد و از حامی اصلی اش یعنی جمهوری اسلامی هم کاری ساخته نیست. و بالاخره اسد سقوط کرد چون در میان مردم سوریه منفور بود و حتی ارتش او هم حاضر نشد برای حفظش کاری انجام دهد. در چنین شرایطی بود که جریان اسلامی هیئت تحریر شام البته در قالبی جدید و با کمک دولت اردوغان توانست میدان‌دار سقوط اسد شود.

حزب کمونیست کارگری حلقه اتصال جنبش‌های مبارزاتی و انقلابی



کیوان جاوید

دست همان دیکتاتور است. البته وقتی همین حاکمین نمی‌توانند از پس مردم بر بیایند اجزای مختلف همین بالای‌ها به جان هم می‌افتند. این اتفاق عمیقاً در صفوف حکومت در جریان است. در این موقعیت بحرانی در صفوف حکومت، باید شدیدترین و فوری‌ترین ضربات را به کل نظام وارد آورد. نباید فرصت را از دست داد.

برای اینکه این دور تسلسل پایان یابد مردم نیز باید از ستاد رهبری خود، حزب خود و انواع تشکلهای مبارزاتی خود بهره‌مند شوند. چنین حزبی وجود دارد. حزب کمونیست کارگری آن حزبی است که می‌تواند این اتحاد و پیوند مبارزاتی فراگیر را بین همه جنبش‌های مبارزاتی و اعتراضی به وجود بیاورد و مبارزات گسترده مردم را برای آزاد شدن از انواع تبعیضات و نابرابری‌ها سازمان‌یافته‌تر و متحدتر کند. حزب کمونیست کارگری این قدرت و درایت سیاسی و توان تشکیلاتی را دارد تا انواع مبارزات فی‌الحال موجود را که در یک رابطه و پیوند ارگانیک با هم قرار ندارند و هر بخش جامعه را که به صورت جداگانه برای حقوق خود مبارزه می‌کند به هم نزدیک و در هم بیامیزد تا پیروزی با رنج و مشقت کمتری به دست آید.

در جامعه اما فقط احزاب رودرروی حکومت قرار نمی‌گیرند. جنبش‌های مبارزاتی، فعالین و رهبران مبارزات میدانی و تشکلهای و محافل مبارزاتی گوناگونی در جامعه شکل می‌گیرند تا برای آنچه که از آنها سلب شده است مبارزه کنند. همین امروز در دل حاکمیت جمهوری اسلامی ما با انواع این محافل و تشکلهای و نهادهای مبارزاتی روبرو هستیم و تعداد قابل‌توجهی از شخصیت‌های مبارز و رهبران اعتراضات را می‌شناسیم. حزبی موفق است که بتواند اعتماد این مبارزین را کسب کند و دست همه این بخش‌های مختلف مبارزه مردم برای زندگی بهتر را در دست هم بگذارد.

انحصار مبارزه برای شکست جمهوری اسلامی و برقرارکردن یک‌دنیای بهتر در ایران در انحصار یک حزب نیست. بخش اعظم جامعه پی‌وقفه برای زندگی انسانی در تلاش است. زنان در ایران به دلیل وجود یک حکومت مذهبی در رأس مبارزه قرار دارند. وجود فقر و فلاکت اقتصادی و سرکوب سیاسی و اعمال شدیدترین و عقب‌مانده‌ترین قوانین اسلامی و مذهبی فقط زندگی یک بخش از مردم را به جهنم تبدیل نمی‌کند، زندگی همه مردم را به فنا می‌کشد. در این سیستم یک دین رسمی و حکومتی وجود دارد و انسان‌ها در قالب دین رسمی و خلق انواع "اقلیت‌های مذهبی" یا مرتدین و کفار و... دسته‌بندی می‌شوند. یک حزب انقلابی و انسان‌دوست که برای زندگی بهتر همه انسان‌ها مبارزه می‌کند باید ظرف مبارزه همه این اقشار و بخش‌های مختلف این جامعه تحت ستم باشد.

اگر این حزب توسط مردم انتخاب شود، اگر نهادها و تشکلهای و شخصیت‌های هر چه بیشتری که در مبارزه علیه جمهوری اسلامی به سر می‌برند برای همان مبارزه‌ای که علیه دشمن مشترک سازمان داده‌اند همسو و هم‌جهت با چنین حزبی باشند که همه عمر سیاسی‌اش معطوف به سازمان‌دادن و مبارزه‌کردن علیه جمهوری اسلامی بوده است، آنگاه شکست جمهوری اسلامی سهل‌تر و نزدیک‌تر می‌شود. در این صورت پیروزی بر جمهوری اسلامی تازه شروع دور جدیدتری در مبارزه برای تأمین آزادی‌ها و رفاهیات و برقراری برابری و آزادی می‌شود و جامعه با دخالت مستقیم خود در امر تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات در یک سیستم شورایی متشکل از همه شهروندان پی‌وقفه به سوی برقراری یک نظام آزاد و برابر، یک جامعه بدون تبعیض و ستم طبقاتی به‌پیش می‌رود. برای رسیدن به چنین جامعه‌ای اول باید جمهوری اسلامی را سرنگون کرد. برای سرنگونی باید دست در دست هم داد و برای اینکه نتوانند دست‌های مردم را از هم جدا کنند باید یک ستاد مبارزاتی انقلابی، پیشرو، انسان‌گرا و مردمی داشت. حزب کمونیست کارگری ایران همان‌طور که مکرراً تأکید شده است می‌تواند بخش مهمی از این ستاد مبارزاتی و مردمی باشد. سابقه ده‌ها سال مبارزه برای یک‌دنیای بهتر و تلاش پی‌وقفه برای سرنگونی جمهوری اسلامی در کارنامه این حزب موجود است.*

مبارزه همیشه وجود دارد. مبارزه بخشی. جدایی‌ناپذیر از زندگی روزانه مردم برای بقا و برای دست‌یافتن به زندگی بهتر و تأمین رفاهیات بیشتر است. این مبارزه دائمی موتور تاریخ است و درست همچون مکانیسم بدن موجودات زنده پی‌وقفه در کار است تا زندگی ادامه یابد.

در شرایط حساس و تعیین‌کننده فعلی که جمهوری اسلامی به‌خاطر بسیاری از شکست‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش در شکننده‌ترین وضع قرار دارد و جنبش‌های اعتراضی، معیشتی و رفاهی هر روز توفنده‌تر می‌شود و در مبارزات گسترده و متنوع اجتماعی؛ مبارزه با ارتجاع فرهنگی و آپارتاید جنسیتی، جمهوری اسلامی را در منگنه هر چه بیشتر قرار داده است؛ درست در این نقطه‌ای که بحرانی سخت بخش‌های مختلف حاکمیت را به جان هم انداخته و خامنه‌ای بیش از هر زمان دیگری منزوی شده است، جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی باید بتواند با رفع همه موانع دست به تعرض سازمان‌یافته‌ای بزند. باید موانع سر راه انقلاب و جنبش سرنگونی را شناخت و برای رفع آن به طور همه‌جانبه اقدام کرد.

زندگی و مبارزه طبقاتی، جنگی واقعی بین آنها که قدرت را در دست دارند و برای حفظ آن مناسبات و منافع طبقاتی از هیچ جنایت و حق‌کشی دریغ نمی‌کنند و توده‌های وسیع مردم که نمی‌توانند نیازمندی‌های زندگی خود را به زبان خوش به دست بیاورند در جریان است. آنها که از کار و زحمت و تلاش پی‌وقفه و تعطیل‌ناپذیر مردم سود می‌برند، اهرم‌های گوناگونی برای در انقیاد داشتن مردم در اختیار دارند. نیروی سرکوبگر، رسانه‌هایی که خرافه پخش می‌کنند و ایجاد تفرقه نمونه‌هایی از این ابزارها است. آنها به‌عنوان یک طبقه دولت را سازمان می‌دهند و این دولت قوانینی را اجرا می‌کند که منافع آن طبقه در قدرت را تأمین و تضمین کند.

همین دولت به نمایندگی از طبقه حاکم دست به تعرض به معیشت (سفره) مردم می‌زند؛ از رفاهیات می‌کاهد؛ قیمت‌ها را افزایش می‌دهد؛ دستمزدهای زیر خط فقر را به اکثریت حقوق‌بگیران تحمیل می‌کند؛ بیمه‌های درمانی و بهداشتی را ناکارآمدتر می‌کند؛ بازنشستگان را در فقر بیشتر فرومی‌برد؛ تبعیض جنسیتی برقرار می‌کند و از کودکان، کار می‌کشد و مدارس را پولی می‌کند و باعث می‌شود میلیون‌ها کودک از تحصیل محروم شوند. این طبقه حاکم، فقر و فلاکت را عمومی و سود سرشار را برای یک اقلیت کوچک تأمین می‌کند. تحمیل این زندگی به مردم فقط از راه موعظه و مذهب و ایجاد تفرقه ناسیونالیستی و قومی و مذهبی و تقسیم انسان‌ها به "بیکانه و خودی" و دشمن‌تراشی بین آنها صورت نمی‌گیرد. همه اینها با یک نیروی سرکوبگر و زندان و اعدام پاسداری می‌شوند.

برای ایجاد تغییر بنیادی در این زندگی، طبقات، مستقیم و پی‌واسطه وارد جنگ نمی‌شوند. هر بار هم که مردم پی‌برنامه و بی‌هدف و بدون هدایت یک حزب پیشتاز و انقلابی وارد خیابان شوند تا خشم و انزجار خود را علیه وضع موجود بیان کنند، این عصیان با سرکوب می‌شود یا حتی در صورت سرنگون شدن دولت حاکم بخش دیگری از همان طبقه استثمارگر به قدرت بر می‌گردد و با آرام شدن تپش اعتراضات، اوضاع با کمترین تغییرات در زندگی مردم به حالت سابق بر می‌گردد یا اصلاً تغییری صورت نمی‌گیرد.

سرمایه‌داران بنا به موقعیت خود از دولت و قوانین و مکانیسم‌های متنوع کنترل مردم برخوردار هستند. هر بخش از همین طبقه برای رسیدن به اهداف خود می‌تواند احزاب مختص به خود را داشته باشد. در نظامی همچون جمهوری اسلامی یا حکومت سلطنتی سابق در ایران حتی اجازه تشکیل احزاب هم داده نمی‌شود. یک شاه یا "فقیه" در رأس قدرت قرار می‌گیرد و نیروی سرکوب با حلقه کوچکی از فرمان‌برداران دیکتاتور سازمان می‌یابد. تحت این سیستم، پارلمان و رئیس‌جمهور و قوه قضائیه ابزارهای

حماسه‌ای در نفت در فضای انقلابی جامعه



شهرلا دانشفر

یک اتفاق مهم این هفته راهپیمایی ۵۰۰۰ کارگر ارکان ثالث در مجتمع گاز پارس جنوبی با همراهی خانواده‌هایشان بود. اعتراضی حماسی که با شعار "این آخرین پیام است، بدون ما کار شما تمام است" اولتیماتوم محکمی به حکومت بود.

این اتفاق در بیستم آذرماه در یکی دیگر از سه‌شنبه‌های اعتراضی این کارگران روی داد و تمام توجه‌ها را به سوی خود جلب کرد. در این روز کارگران نفت با اولتیماتوم محکمشان و با شعار "یک کلام، یک کلام، مزد بدون تبعیض والسلام". صدای اعتراضشان را علیه تبعیض، علیه بساط پیمانکاران مفت‌خور و علیه وخامت هر روز بیشتر وضع معیشتی‌شان بلند کردند. ضمن اینکه همزمان کارگران ارکان ثالث در شرکت پالایش گاز فجر جم و کارگران سکوی دریایی و بخش خشکی نفت در پارس جنوبی نیز دست به تجمع زدند.

یک وجه مهم حرکت اعتراضی باشکوه ۵ هزار کارگر مجتمع گاز پارس جنوبی حضور خانواده‌ها علی‌رغم ممانعت نیروهای حراست بود که به این مبارزات قدرت و بعد اجتماعی تری داد. حرکتی که می‌تواند الگویی برای کل جنبش کارگری باشد.

بلندشدن چنین صدای پر توانی از نفت، از یک مرکز کلیدی کارگری آن‌هم با چنان اولتیماتوم محکمی در فضای انقلابی جامعه که در آن جنبشی قدرتمند بر سر معیشت و رفاه، بخش‌های مختلف جامعه را دربرگرفته است، جایگاه و اهمیت سیاسی این اتفاق را بیش از پیش مقابل چشمان همگان گذاشت.

در حرکت اعتراضی کارگران ارکان ثالث در مجتمع پارس جنوبی تمامی پالایشگاه‌ها در اعتصاب بودند و در کنارش پیوستن کارگران پالایش گاز فجر جم را داشتیم. اعتراضی در چنین ابعاد گسترده نشانگر فاز جدیدی در اعتراضات کارگران نفت، در جنبش کارگری و در سطح جامعه است. به عبارت روشن‌تر این اتفاق ضمن اینکه خود متأثر از فضای پرتلاطم اعتراضی جامعه است، پتانسیل حرکت اعتراضات کارگری در نفت را به سوی اعتصابات سراسری نشان می‌دهد و طبعاً بر فضای اعتراضی دیگر محیط‌های کارگری تأثیر مستقیم دارد و گسترده‌تر شدن اعتراضات در دیگر بخش‌ها بیانگر همین واقعیت است.

اتفاق روز بیستم آذر در پالایشگاه‌های مجتمع پارس جنوبی را درعین حال باید در فضای انقلابی جامعه و اعتراضات بخش‌های مختلف کارگری و مردمی از جمله اعتراضات گسترده در میان پرستاران، اعتراضات بخش‌های مختلف بازنشستگان از تأمین اجتماعی گرفته تا کشوری و نفت و مخابرات و فولاد و اعتراضات در دانشگاه‌ها در همین هفته اخیر دید.

این اتفاق را در متن شرایطی باید دید که کل جامعه علیه جنگ هر روزه حکومت بر سر حجاب ایستاده تا از سنگر فتح شده حجاب، این دستاورد انقلاب زن، زندگی، آزادی دفاع کند. یک نمونه‌اش اعتراض وسیع و اجتماعی به طرح عفاف و حجاب حکومت است که جدیداً مصوب شد. اعتراضی که با فریاد "روسری را رها کن، تورم را مهار کن" در اعتراضات خیابانی بازنشستگان بازتاب یافت. تا جایی که خود حکومتیان دارند از ناممکن بودن اجرایی شدن این طرح سخن می‌گویند. و فراتر از آن، اکنون دیگر بحث محدود به حجاب نیست بلکه این کل بساط آپارتاید جنسی حاکم است که مورد نشانه زنان و مردم معترض است. اعتراضاتی از نوع اعتراض عریان آهو دریایی و کسرت مجازی بی‌حجاب پرستو احمدی نمونه‌های بارزی از آن است که مثل بمب پایه‌های آپارتاید جنسی را به لرزه درآورده است.

سوی دیگر این تصویر وضعیت نزار حکومت است. حکومتی که در تمام

عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی خود را شکست خورده می‌بیند. حکومتی که طی یک سال گذشته در سطح منطقه ضربات مهلکی خورده و در سطح جهانی دچار انزوای بی‌سابقه‌ای است و اکنون با سقوط اسد سقوط خود را در چشم‌انداز نزدیک‌تری می‌بیند. و نتیجه همه اینها، در هم شکسته‌تر شدن صفوف حکومت و قدرت‌گیری بیشتر مردم است. از جمله بازتاب آن را در همین هفته در تعرضی‌تر شدن اعتراضات مردمی و گفتمان‌های جامعه می‌شود دید. بازنشستگان در اعتراضاتشان شعار "پزشکیان استعفا، استعفا"، "زندانی معترض آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد" را سر دادند. حرکت اعتراضی بیستم آذرماه کارگران اعتصابی ارکان ثالث در مجتمع گاز پارس جنوبی نیز بازتاب همین اوضاع و احوال است.

اسد توسط مردم سقوط نکرد، اما مردم سوریه مردمی هستند که سال ۲۰۱۱ برای سرنگونی وی به پا خاستند و این مردم امروز مطالبه‌گرند و سقوط اسد را جشن گرفتند و به سوی زندان‌ها رفتند تا زندانیان‌شان را رها کنند. این فضا سیاست‌مداران کنونی این کشور را محتاط کرده است و مردم می‌دانند که باید بایستند تا حکومت وحشی و جنایت‌کار دیگری جای اسد را نگیرد. در این تحولات خیلی‌ها به درست پایان اسد را پایان جمهوری اسلامی خواندند. مردم در ایران با شادی فراوان صحنه‌های آزادشدن زندانیان سیاسی از زندان‌های مخوف اسد را در مدیای اجتماعی تحت عنوان پایان دیکتاتورها بازتاب دادند و این اتفاقات اکنون به بحث آزادکردن زندانیان سیاسی بیشتر دامن زده است. همچنین همراه با بحث داغ جنایات فجیع اسد در زندان‌ها و محاکمه وی، موضوع محاکمه حکومت اسلامی به‌عنوان همدست این جنایت‌کار و به‌خاطر همه جنایاتش داغ‌تر شده و به یک موضوع پیام‌های دادخواهی امسال مردمی به بهانه روز جهانی حقوق بشر تبدیل شد. و بالاخره اینکه هم اکنون یک گفتمان داغ مردم و ام‌های میلیاردری است که حکومت اسلامی صرف حفظ اسد و سرکوب مردم معترض در این کشور کرد و دود شد و هوا رفت. در متن چنین اوضاع و احوالی است که امروز بازنشستگان در تجمعات اعتراضی خود با فریاد "نه جنگ می‌خوایم نه کشتار، رفاه می‌خوایم ماندگار" کیفرخواست خود را اعلام می‌کنند.

در چنین شرایطی است که پنج هزار کارگر ارکان ثالث در این هفته فاصله منطقه ویژه اقتصادی عسلویه تا درب پالایشگاه دوم مجتمع پارس جنوبی را راهپیمایی کردند. و با تجمع در مقابل ستاد اداری پارس جنوبی و سردادن شعار "حقوق عادلانه حق مسلم ماست" پیگیر مطالباتشان شدند. حرکت اعتراضی‌ای که فصل جدیدی از مبارزه را در مقابل کارگران در نفت گشود.

نگاهی به این اتفاقات نشانگر تغییر توازن قوا برای شکل دادن به اعتصابات و تجمعات گسترده سراسری کارگری است. با تمام قدرت به تدارک آن برویم.*



انقلاب عیان در مقابل خودسانسوری خامنه‌ای

مهران محبی

پرستو احمدی زن خواننده بی‌پاک که در دوران خیزش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" ترانه "از خون جوانان وطن" را اجرا کرده و از سوی نهادهای امنیتی احضار و بازجویی شده بود در ۲۱ آذر ویڈیوی کنسرت بدون حجاب خود را که در یک کاروانسرا اجرا کرده بود، در یوتیوب به معرض دید جهانی گذاشت.

او این کنسرت را به‌دوراز دید دم و دستگاه‌های سرکوبگر رژیم با نام "کنسرت فرضی کاروانسرا" بدون ترس از عواقب آن، از پرونده‌سازی قضایی گرفته تا انواع تهدیدات و فشارهای دستگاه‌های امنیتی انتشار داد.

کنسرت به‌اصطلاح فرضی و بدون تماشاگر حضوری پرستو احمدی بعد از انتشار از طریق یوتیوب خیلی سریع پربیننده و پرتیرا شد و حالا با جرئت می‌توان ادعا کرد که به یکی از پربیننده‌ترین و پرتیرا‌ترین کنسرت‌های دوره حاضر تبدیل شده است.

پرستو احمدی پیش‌تر از آن نیز به‌خاطر خواندن ترانه‌های دیگری مورد پیگردهای قضایی قرار گرفته بود.

این زن شجاع در نوشته ضمیمه ویڈیوی کنسرت خود این‌طور شرح داده است: "من «پرستو» دختری که می‌خواهم برای مردمی که دوستشان دارم بخوانم. این حقی است که نمی‌توانستم از آن چشم‌پوشم؛ خواندن برای خاکی که عاشقانه دوستش دارم. اینجا در این نقطه از ایران عزیزمان، در این تکه‌ای که تاریخ و اسطوره‌های ما به هم پیوند می‌خورند، صدای من را در این کنسرت فرضی بشنویید و خیال کنید این وطن زیبا را...".

همچنان که انتظار می‌رفت و خود گروه تولید کنسرت هم حتماً خود را برای چنین برخوردهایی از طرف حکومت آماده کرده‌اند، جمهوری اسلامی بلافاصله یک روز بعد از انتشار فیلم "کنسرت فرضی" برای "پرستو احمدی" و عوامل تولید کنسرت، پرونده قضایی گشوده و سعی در تحت فشار قراردادن آنها دارد.

از این‌رو به "پرستو احمدی" و گروه نوازندگان همراهش تنها می‌توان لقب قهرمانان انقلاب زن، زندگی، آزادی را داد و بدون تردید چنین شهامت‌هایی به‌طور واقعی فقط در شرایط ویژه‌ای قابل بروز هستند.

شجاعت امروز "پرستو احمدی" و جسارت بی‌سابقه چندی پیش "آهو دریایی" (زنی که در اعتراض به سرکوبگران حراستی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، خود را عریان کرد) ارزش‌ها، مقدسات و دستورات اسلامی و قرآنی نظام حاکم را لگدمال کرد. اعتراضی بر بستر تداوم انقلاب علیه تمام تبعیضات بنا شده بر اساس همان مقدسات و ارزش‌ها و دستورات. اعتراضی که علیه کلیه محدودیت‌ها و نابرابری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و غیره، به وقوع پیوسته‌اند و خود از نمودها و مظاهر پیشروی و قدرت‌گیری بی‌وقفه انقلاب هستند.

شرایط ویژه و انقلابی جامعه است که به هر اعتراض و تجمع اعتراضی چنان موقعیت و توانی می‌دهد تا بی‌پرده و آشکارا و با صراحت تمام حرف آخر خود را خطاب به حکومت و دستگاه‌های سرکوبگرش بزند و اراده خود را عملی کند. زنان، بی‌حجابی را سرسری کرده و هر روز برای به‌عقب‌اندن بیشتر حکومت می‌جنگند. بازنشستگان مدام از دستاوردهای انقلاب "زن، زندگی، آزادی" دفاع می‌کنند، از مبارزات زنان و فعالین سیاسی و اجتماعی زیر فشار و تحت حکم اعدام حمایت می‌کنند و علیه اعدام، جنگ افروزی حکومت، بازداشت "آهو دریایی" و قانون حجاب و عفاف شعار می‌دهند. هزاران کارگر پارس جنوبی در اعتصاب‌شان رژیم را به مصاف می‌طلبند و اولتیماتوم می‌دهند که کارش را تمام می‌کنند. به این طریق است که نمودهای انقلاب به‌طور روزمره بروز می‌یابند. تک‌تک این اقدامات در جامعه، مظاهر پویندگی جامعه و جاری‌شدن خون تازه در رگ انقلاب هستند و برای درک این حقیقت تنها باید به این نمودها و

مظاهر به‌عنوان عیار و شاخص پیشروی‌هایش رجوع کرد.

اما در برابر این علنیت و بی‌پرده بودن خواست‌ها و زیان بی‌تخفیف انقلاب و جسارت و شجاعت فعالینش در عرصه‌های مختلف، حکومتی قرار گرفته است که در نتیجه تحمل شکست‌های سنگین داخلی و منطقه‌ای به حسیض افتاده و خود را سانسور و ممیزی می‌کند.

حکومتی که اساس سانسور را بر هر فعالیت اطلاع‌رسانی و درز اخبار به افکار عمومی حاکم کرده و تنها اجازه انتشار به اخبار و اطلاعات مهندسی شده خود برای فریب و وارونه تعریف نمودن اوضاع داخلی و منطقه‌ای می‌داد، حالا به حال و روزی افتاده که خود را هم سانسور می‌کند.

تحت چنین شرایطی خامنه‌ای در رأس حکومت اسلامی مجبور شده تا از صداوسیما تحت فرمانش بخواهد سخنرانی‌اش (پاسخش به دورویی‌های خود) در رابطه با سقوط بشار اسد و فرار سپاه قدس و نیابتی‌های تروریست از سوریه را به‌طور زنده پخش نکند، مبادا که چرند و مزخرفی بر زبان جاری کند که باعث دردسر بیشتری در سطح منطقه‌ای برای حکومتش شود.

جدا از اینکه خامنه‌ای در این سخنرانی ضمن پذیرش شکستش در سوریه، به توجیهات بی‌اساسی دست زد که بخش‌های پرسشگر و ناراضی به‌ویژه در سپاه و بسیج و گروه‌های نیابتی از عملکرد خامنه‌ای و عمق به‌اصطلاح راهبردی‌اش را قانع کند، صداوسیما بنا بر توصیه خود خامنه‌ای برش‌هایی از سخنرانی وی را که از نظر سیاسی و حقوقی بین دولت‌ها کم‌هزینه‌تر بود پخش کرد. از همین رو از کل سخنرانی وی غیر از آخوندها و سرداران سپاه و نزدیکان خامنه‌ای و خود صداوسیما، کسی در جریان قرار نگرفت.

اینجاست که تفاوت عظیم میان قدرت‌گیری و سرزندگی انقلاب با ضعیف‌شدن و درماندگی جمهوری اسلامی و در رأسش خامنه‌ای آشکار می‌شود. در جامعه خواست‌ها و وظایف در برابر رژیم، بی‌پرده و عیان اعلام و عملی می‌شود، نیروهای اعتراضی و انقلابی مانند زنان، جوانان، بازنشستگان و کارگران به جلو صف کشیده می‌شوند و چهره‌ها مانند توماج، آهو و پرستو و دیگران در آغوش گرفته می‌شوند. ولی در کمپ حکومت، تشنت و سرخوردگی حاکم می‌شود و در میان خودی‌ترین خودی‌ها اختلاف و شکاف می‌افتد و یکدیگر را به چالش می‌کشند و تهدید می‌کنند.

در بخش چنگ‌و‌دندان نشان دادن سخنرانی درهم‌ریخته و پریشان خامنه‌ای صراحتاً پرسشگران و منتقدان درون حکومتی نسبت به سقوط بشار اسد تهدید به برخورد قضایی می‌شوند. هرچند خامنه‌ای به‌طور کلی منتقدان سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی در داخل را خالی‌کنندگان دل مردم نامید و گفت مجرم هستند و باید مورد تعقیب قضایی قرار گیرند اما روی صحبت و تهدیداتش بیشتر به همان منتقدان درون حکومتی و رده‌های مختلف سپاه و بسیج بود.

این اوضاعی است که جامعه معترض و انقلابی بر خامنه‌ای و حکومتش تحمیل کرده و آنها را به‌روزی انداخته که مجبور به خودسانسوری شده‌اند. تردیدی نیست که در روزها و ماه‌های پیش روزی فشار انقلاب که زمینه‌ساز شکست‌ها و درماندگی‌های منطقه‌ای رژیم بوده، جمهوری اسلامی شکست‌خورده‌تر و خودسانسورگرتر خواهد شد.

جامعه همان‌طور که چهره‌های اعتراضی خود مانند "توماج" و "آهو" و ده‌ها زندانی سیاسی و محکومان به اعدام را در آغوش گرفته، پرستو احمدی را نیز در آغوش خواهد گرفت و در برابر هر اقدام قضایی و تهدید امنیتی علیه او از جانب حکومت خواهد ایستاد و همان‌طور که نقض حکم اعدام "مجاهد کورکور" و ناکامی در اجرای قانون حجاب و عفاف را بر جمهوری اسلامی تحمیل کرد، هرگونه فشار و حکمی علیه "پرستو احمدی" را نیز برای رژیم پرهزینه خواهد کرد.*

سقوط اسد، ضربه مهلک دیگری به جمهوری اسلامی



حمید تقوایی

با سقوط حکومت بشار اسد آخرین ستون "محور مقاومت" جمهوری اسلامی در منطقه فروریخت و رژیم خامنه‌ای ته‌مانده نفوذ و اعتبارش در منطقه و حتی در میان نیروهای متحدش را از دست داد.

این تحول در شکل دادن به آینده مردم سوریه، ایران و کل خاورمیانه نقش

تعیین‌کننده‌ای دارد.

موقعیت جمهوری اسلامی: مردم سوریه از شر حکومتی خلاص شده‌اند که به کمک جمهوری اسلامی و روسیه خیزش آنان در متن انقلابات بهار عرب را وحشیانه در هم کوبید. جمهوری اسلامی با صرف بیش از ۳۰ میلیارد دلار از جیب مردم ایران، با اعزام نیروهای سپاه قدس و حزب‌الله و سرکوب و کشتار مستقیم نزدیک به نیم‌میلیون نفر و آواره کردن قریب به ۱۰ میلیون نفر از مردم سوریه که علیه حکومت اسد به میان آمده بودند، حکومت اسد را سرپا نگاهداشت. به این معنا سرنگونی دولت اسد سرنگونی جمهوری اسلامی در سوریه نیز هست. حمله مردم به سفارت جمهوری اسلامی و پاره کردن بیلبردهای سلیمانی و حسن نصرالله و خامنه‌ای، در کنار به پائین کشیدن مجسمه‌های حافظ اسد، که خامنه‌ای او و پسرش را "قهرمان مقاومت" در برابر شیطان بزرگ و عمق استراتژیک حکومتش در منطقه می‌دانست، سرنگونی جمهوری اسلامی در خود ایران را نیز در برابر چشم همگان قرار می‌دهد.

از سوی دیگر یک نتیجه مهم سقوط اسد بالاگرفتن بی‌سابقه اختلافات و کشمکش‌ها در میان دارودسته‌های حکومت جمهوری اسلامی است. این بار نفس سیاست‌های غرب‌ستیزانه‌ای که خامنه‌ای مدافع و نماینده پیگیر آن بود از سوی حتی اصول‌گرایان تماماً به زیر سؤال می‌رود و خامنه‌ای به دنبال رسوایی و بی‌اعتباری منطقه‌ای سیاست‌ها و اهدافش، موقعیت و اعتبار خود در میان باندهای حکومتی در خود ایران را نیز تماماً از دست می‌دهد.

همه این فاکتورها حاکی از آن است که با سقوط اسد، انقلاب زن زندگی آزادی در ایران شتاب می‌گیرد و روند سرنگونی رژیم شیب تندتری می‌یابد.

وضعیت خاورمیانه: شکست کامل سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی و تضعیف و خنثی شدن نیروهای پیش‌برنده این سیاست‌ها شرایط خاورمیانه را نیز به نفع مردم منطقه کاملاً متحول می‌کند. بعد از سوریه نوبت عراق و یمن و پایان نفوذ جمهوری اسلامی در این کشورها است. در یک چشم‌انداز عمومی‌تر با بی‌اعتباری و انزوای منطقه‌ای جمهوری اسلامی دوره تقابل نیروهای اسلامی و راست افراطی اسرائیل، که یکی با بیرق غرب‌ستیزی و انهدام اسرائیل و دیگری با ادعای مقابله با تروریسم و دفاع از دموکراسی، مسئله برحق مردم آواره فلسطین را هاجک کرده و اهداف ارتجاعی خود را به پیش می‌برند، نیز به سر می‌رسد. اکنون نیروهای چپ، مترقی و سکولار در منطقه فرصت می‌یابند تا دوباره طرح دو دولت و راه‌حل انسانی مسئله فلسطین را در مرکز توجه جهانیان قرار بدهند و برای همیشه سایه سیاه جنگ صلیبی بین اسلام‌میس و یهودیت را از سر منطقه کم کنند.

آینده سوریه: حضور فعال نیروی ارتجاعی هیئت تحریر شام در میان نیروهای مسلح برانداز رژیم اسد و حمایت صریح دولت ترکیه از این نیرو آینده سوریه را در حاله‌ای از ابهام و نگرانی فرومی‌برد. هیئت تحریر شام مدعی است که خواهان حکومتی متشکل از همه نیروهای شورشی و پیروی از رأی مردم سوریه است و برخلاف جمهوری اسلامی، و یا داعش و القاعده که نسبش به آنها می‌رسد، ادعاهای منطقه‌ای و فرا سوریه‌ای ندارد. اما اینکه تحریر شام در آینده و به‌عنوان یک نیروی حکومتی چه خواهد کرد را

نمی‌توان بر اساس این ادعاها پیش‌بینی کرد. سیاست خارجی نیروهای اسلامی مثل تحریر شام هرچه باشد، پیاده کردن قوانین فوق ارتجاعی اسلامی علیه مردمی که ادعای نمایندگی آنان را دارند جزئی از کارنامه همه آنان است. از این نقطه‌نظر طالبان و داعش و القاعده و جمهوری اسلامی و حماس و حزب‌الله و تحریر شام فرق چندانی با یکدیگر ندارند.

از سوی دیگر حضور "نیروهای دموکراتیک سوریه" (قسد) که پ‌گ، نیروی مسلح کرد که در مبارزه با داعش نقش پررنگی داشت، رهبری آن را در دست دارد و خصومت استراتژیک دولت ترکیه با نیروهای کرد سوریه می‌تواند زمینه کشمکش و تنش و جنگ داخلی بین نیروهای باشد که هر یک خواهان سهمی در دولت آتی سوریه هستند. دولت ترکیه نیز از این جهت نقش مخربی خواهد داشت.

اما آینده سوریه هر چه باشد نفس قطع حضور و نفوذ جمهوری اسلامی در تحولات این کشور یک گام مهم به‌پیش در جهت تقویت نیروهای انقلابی و چپ و سکولار در آن کشور و به میدان آمدن مجدد توده مردم برای در دست گرفتن سرنوشت سیاسی خود است. باید امیدوار بود و تلاش کرد که سقوط اسد شرایط مساعدی برای ایفای نقش مردم سوریه فراهم آورد.

از این نقطه‌نظر نیز تضعیف هرچه بیشتر جمهوری اسلامی در ایران و پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی تأثیر تعیین‌کننده‌ای در تقویت صف مردم علیه هر نوع دولت اسلامی و اتنیک در سوریه و در کل منطقه خواهد داشت. نقطه عطف بعدی تحولات خاورمیانه سقوط جمهوری اسلامی در خود ایران خواهد بود.

۱۸ آذر ۱۴۰۳، ۸ دسامبر ۲۰۲۴

اعدام شما را نجات نخواهد داد!

چهل سال است که مدام کشته‌اید و اعدام کرده‌اید. چهل سال است

که عزیزان بسیاری را با بی‌رحمی از ما مردم گرفته‌اید. اما چه

حاصلی جز فوران خشم ده‌ها میلیونی مردم داغ‌دیده و دادخواه را

درو کردید؟ اعتراض و تجمع و اعتصابات از همه‌جا می‌جوشد.

کارگران و پرستاران و بازنشستگان و دانشجویان و کشاورزان و

دانش‌آموزان بیش‌ازپیش بر سر شما فریاد می‌زنند و تحقیرتان

می‌کنند. گشت ارشادتان در برابر زنان جسور و آزاده دود شد.

حجاب اجباری‌تان جلو چشمانتان زیر پاله شد. فریاد سرنگونی از

همه‌جا حتی در درون زندان‌ها طنین‌انداز است.

گسترده از قبل پیا می‌خیزیم! دست‌به‌دست هم می‌دهیم! ماشین

اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم و بر سر

دست بلند می‌کنیم! زن زندگی آزادی! نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

اطلاعه‌های هفته اخیر

خیابون به دست میاد حقمون"، و "تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم". در اهواز مثل هر هفته تجمع با شکوهی برگزار شده و بازنشستگان شعار می‌دادند: "بازنشسته بیا خیز برای رفع تبعیض!"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن!"، "بازنشسته، اتحاد اتحاد!"، "دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست!"، "کو مهار تورم، دروغ نگیرد به مردم!"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم!"، "ما می‌گیریم حقوق کمه، گوشت رو گرونش میکنن!"، "ما می‌گیریم حقوق کمه، آب رو گرونش میکنن!"، "ما می‌گیریم حقوق کمه، برق رو گرونش میکنن!"، "ما می‌گیریم حقوق کمه، گاز رو گرونش میکنن!"، "حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون!"، "پزشکیان حیا کن، ریاست رو رها کن!"، "پزشکیان، استعفا، استعفا!"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم!"، "روسری رو رها کن، تورم رو مهار کن!"، "جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه!"، "درمان رایگان حق مسلم ماست!"، "معیشت، منزلت، سلامت، حق مسلم ماست!"، اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد!"، "لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی، اتحاد - اتحاد!"، "معترض زندانی آزاد باید گردد!"، "کارگر زندانی، آزاد باید گردد!"، "معلم زندانی، آزاد باید گردد!"، "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون!"

در آذربایجان بازنشستگان با خواندن سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی جان فدا می‌کنیم در ره آزادی" صدای اعتراضشان را علیه توحش و بربریت حاکم بلند کردند.

در این تجمع اعتراضی بنرهای با نوشته‌های "لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی، اتحاد اتحاد"، "درمان رایگان"، "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" درخشان داشت.

در اصفهان بازنشستگان فولاد با تجمع و راهپیمایی و فریاد شعارهای "پول نداره این دولت برای بازنشسته، تمام پول ملت، برای اختلاسه!"، "تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم"، "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن، صحنه با شکوهی از اعتراض ایجاد کردند و خودروها با بوق‌زدن به آنها اعلام حمایت می‌کردند.

شعارهای اعتراضی بازنشستگان فریاد اعتراض همه مردم است و این اعتراضات شایسته وسیع‌ترین حمایت‌هاست.

همچنین اعتراضات در مراکز مختلف کارگری گسترده است. روز گذشته هفدهم آذر کارگران بخش‌های مختلف شهرداری طبس در اعتراض به چند ماه معوقات مزدی خود مقابل ساختمان شهرداری تجمع اعتراض برگزار کردند. این کارگران دو ماه حقوق مهر و آبان و سه ماه اضافه کاری تیر، مرداد و شهریور را طلب دارند. این چندمین بار است که این کارگران تجمع می‌کنند و آخرین آن در چهارشنبه ۱۴ آذر برگزار شد. در این روز همچنین کارگران کارخانه "سیستم‌های صنعتی" در تاکستان در اعتراض به عدم پرداخت سه‌ماهه دستمزد و هشت ماه بیمه دست به تجمع زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ آذر ۱۴۰۳، ۸ دسامبر ۲۰۲۴

تجمع بازنشستگان معلم ۱۴۰۰ و دانشجویان دانشگاه آزاد علوم پزشکی

روز شنبه ۱۷ آذر بار دیگر بازنشستگان معلم سال ۱۴۰۰ برای پیگیری مطالبات خود مقابل مجلس اسلامی تجمع و راهپیمایی کردند. اعتراض این بازنشستگان به سطح نازل حقوقها و وضع بد معیشتی و بی‌پاسخ بودن مطالباتشان است و خواست فوری آنها اجرای قوانین مصوب در زمینه حقوق و مزایا که باعث افزایشی در مزدشان می‌شود است. در این تجمع اعتراضی جمعیت قابل‌توجهی از بازنشستگان معلم گردآمده بودند و شعار می‌دادند:

"مجلس خیانت می‌کنند، دولت حمایت می‌کند"، "قالیباف حیا کن، حق ما را ادا کن"، "فریاد، فریاد، از این همه بیداد"

در این روز همچنین جمعی از سوی دانشجویان دانشگاه آزاد علوم پزشکی در اعتراض به شهریه‌های نجومی و افزایش آنها مقابل درب ورودی علوم و تحقیقات برگزار شد. در این حرکت اعتراضی دانشجویان با فریاد شعارهایشان دست به راهپیمایی زدند. تظاهرات دانشجویان در اعتراض به افزایش سرسام‌آور شهریه‌ها در تهران و کرمان و.. همچنان ادامه دارد.

جنبش بر سر معیشت و رفاه بخش‌های مختلف جامعه را دربرگرفته است. "اتحاد اتحاد، علیه فقر و فساد" شعار متحده‌کننده این اعتراضات است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ آذر ۱۴۰۳، ۷ دسامبر ۲۰۲۴

۱۸ آذر: تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و کشوری و فولاد در چندین شهر

"نه جنگ می‌خوایم نه کشتار، رفاه می‌خوایم ماندگار"

امروز ۱۸ آذرماه بازنشستگان کشوری و فولاد به روال یکشنبه‌های هر هفته در چندین شهر تجمع کردند این تجمعات در شهرهای کرمانشاه، اهواز و شوش در مقابل تأمین اجتماعی و در اصفهان و مقابل صندوق بازنشستگی برگزار شدند.

بازنشستگان در کرمانشاه با فریاد شعارهایشان اعتراض خود را به لایحه تعرضی بودجه، به جنگ افروزی‌های حکومت، به سرکوب‌ها و به فقر، گرانی، بی‌تامینی و اختلاسگری‌ها اعلام داشتند. این بازنشستگان از جمله شعار می‌دادند: "تجمع، اعتراض، حق مسلم ماست"، "انگل‌زاده آمریکاس، تورمش مال ماست"، "بودجه‌بندی دولت، بلای جان ملت"، "نه جنگ می‌خوایم نه کشتار، رفاه می‌خوایم ماندگار"، "کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی اتحاد، اتحاد"، "مخابرات، فولادی، اتحاد اتحاد"، "رنج ما رنج ما، غارت دسترنج ما"، "معلم زندانی آزاد باید گردد کارگر زندانی آزاد باید گردد"، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد"، و "بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است".

بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش که مثل هر هفته از شهرهای کرخه، هفت‌تپه و شوش گردآمده بودند در این روز دست به تجمع و راهپیمایی زدند. در این تجمع بازنشستگان با سخنرانی خود از مطالباتشان سخن گفتند و شعارهای اعتراضی‌شان را سر دادند. این بازنشستگان شعار می‌دادند "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "تورم اسف‌بار، حاکم شده تو بازار"، "حقوق نصفه‌نیمه، سکوت کنی همینه"، "گرانی تورم بلای جان مردم"، "کشور پردرآمد چه بر سر تو آمد"، "فقط کف

زنده باد انقلاب

زن، زندگی، آزادی

ادامه اعتراضات بازنشستگان و بازنشستگان

معلم ۱۴۰۰

امروز دوشنبه نوزدهم آذرماه بازنشستگان مخابرات مثل هفته‌های قبل علیه فقر و بی‌تامینی و اختلاسگری‌های حاکم تجمعات سراسری خود را بر پا کرده و پیکر مطالباتشان شدند.

این تجمعات در این هفته در شهرهای اصفهان، شیراز، تبریز، تهران، زنجان، کرمانشاه، ساری، بیجار، سنندج، ارومیه، همدان، اهواز برگزار شدند. شعارهای اعتراضی بازنشستگان در این تجمعات عبارت بودند از: "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "تا حقمون نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "ستاد فرمان امام مخابرات رو برده، حق ماها را خورده"، "بنیاد تعاون حق ماها رو خورده"، "سهام‌دار خیانت می‌کند، وزیر حمایت می‌کند"، "وعده‌های بی‌حاصل، دوشنبه‌های می‌آییم"، و "اگر سنگ هم بباره، دوشنبه‌ها می‌آییم".

در اصفهان یکی از بازنشستگان سخنرانی کرده و خطاب به دزدان حاکم می‌گوید: "مدیران ستاد اجرایی امام مدیران تعاونی سپاه! ما تا زمانی که به حق و حقوق خود نرسیم دست از تجمعات نمی‌کشیم" سخنان او با کف جمعیت روبرو شد.

در این روز همچنین جمعیت کثیری از بازنشستگان معلم ۱۴۰۰ از نقاط مختلف کشور در اعتراض به سطح نازل حقوقها و با خواست اجرایی شدن رتبه‌بندی و پرداخت مطالبات معوقه خود در تهران مقابل مجلس اسلامی تجمع و راهپیمایی کردند. این سومین بار در یک ماه اخیر است که این معلمان تجمع کرده و با فریاد شعارهایشان پیکر مطالباتشان می‌شوند. این تجمع در حالی برگزار شد که باران می‌بارید و بازنشستگان شعار می‌دادند: "سرما و باران، نیست جلودارمان"، و "فریاد، فریاد، از این همه بیداد".

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ آذر ۱۴۰۳، ۹ دسامبر ۲۰۲۴

راهپیمایی ۵۰۰۰ کارگر ارکان ثالث و پالایش گاز فجر در نفت

بدون ما کار شما تمام است!

امروز بیستم آذرماه در یکی دیگر از سه‌شنبه‌های اعتراضی جمعیتی پنج هزارنفره از تمامی پالایشگاه‌های مجتمع گاز پارس جنوبی به همراه خانواده‌های خود مقابل ستاد اداری این مجتمع تجمع کردند و با راهپیمایی و فریاد "حقوق عادلانه حق مسلم ماست" صحنه پرشکوهی از اعتراض آفریدند.

در این حرکت اعتراضی کارگران با شعارهایشان به حاکمیت اولتیماتوم می‌دادند که "این آخرین پیام است بدون ما کار شما تمام است"، و "یک کلام، یک کلام، مزد بدون تبعیض و اسلام".

در این تجمع خانواده‌های کارگران نیز شرکت داشتند. طبق گزارشات نیروهای حراست ارشد سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در ابتدا از ورود خانواده‌ها جلوگیری کردند ولی با حضور هزاران نفره کارگران ناچار به عقب‌نشینی شدند و تجمع با قدرت برگزار شد.

حضور خانواده‌ها در تجمعات نقطه اتکای مهمی برای گسترش و قدرت‌بخشیدن به این اعتراضات و جلب حمایت‌های اجتماعی است.

در این روز کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری شرکت پالایش گاز فجر جم نیز برای دومین هفته به سه‌شنبه‌های اعتراضی پیوستند و با همکاران خود در پالایشگاه‌های مجتمع گاز پارس جنوبی برای پیکری مطالباتشان هم‌صدا شدند. بدین ترتیب در این روز تمامی پالایشگاه‌های مجتمع گاز پارس جنوبی و پالایش گاز فجر جم در اعتصاب بودند.

اهم مطالبات اعلام شده کارگران ارکان ثالث در نفت عبارت‌اند از: حذف

شرکت‌های پیمانکاری، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و افزایش حقوقها، حق تشکل، تجمع و اعتراض، اجرای طرح اقماری، همسان‌سازی حقوق و دستمزد و استفاده از مزایای رفاهی و مناسبی و ساماندهی وضعیت رانندگان و کارگران پشتیبانی شرکت پیمانکاری طرف قرارداد و...

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از خواست‌ها و مبارزات کارگران نفت اعلام می‌کند و همه بخش‌های شاغل در نفت را به حمایت و پیوستن فعال به اعتراضات فرا می‌خواند. با اعتراضات سراسری و هماهنگ می‌توان حکومت دزدان حاکم را به طوارجدی عقب راند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ آذر ۱۴۰۳، ۱۰ دسامبر ۲۰۲۴

تجمعات معلمان بازنشسته ۱۴۰۲، کارگران آتش‌نشانی در اهواز و دو خبر دیگر

روز ۲۱ آذر جمعیتی از معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در اعتراض به پاسخ نگرفتن مطالباتشان مقابل مقر ریاست جمهوری اسلامی تجمع کردند و با فریاد شعارها صدای اعتراضشان را بلند کردند. از بیستم آبان‌ماه تا کنون این هفتمین تجمع اعتراضی بازنشستگان فرهنگی ۱۴۰۲ بر سر این موضوع است و در این روز علی‌رغم آلودگی شدید هوای تهران که به‌ویژه برای بازنشستگان خطرآفرین است، جمعیت قابل‌توجهی گردآمده بودند و حضور زنان چشمگیر بود. در هنگام تجمع نیروی انتظامی بسیاری در محل مستقر شده بودند. اما بازنشستگان بدون توجه به آنها به اعتراض خود ادامه دادند.

اعتراض این بازنشستگان به بدتر شدن وضع معیشتی و تأخیر بیش از ۱۵ ماهه در پرداخت مطالبات خود از جمله پاداش بازنشستگی که هنوز ۶۰ درصد از آن پرداخت نشده و روند کم‌ارزش شدن پول رسمی و در نتیجه کاهش ارزش ریالی پاداش است. بازنشستگان شعار می‌دادند "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "دشمن بازنشسته، دولت ورشکسته"، "جای مردان سیاست بنشانیم درخت تا هوا تازه شود"، "امروز فردا نکن، حق ما را ادا کن"، "خواهان پاداش هستیم، از کل کشور هستیم"، "کشور پردرآمد، چه بر سر تو آمد؟"، "وزیر خیانت کرده، دولت حمایت کرده"، و "کارگر زندانی آزاد باید گردد معلم زندانی آزاد باید گردد!".

در این روز همچنین نیروهای آتش‌نشانی اهواز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و تأخیر در پرداخت آنها در برابر ساختمان مرکزی شهرداری اهواز تجمع کردند. کارگران معترض با شعار "شهردار بیا اینجا" خواستار پاسخگویی مسئولین در جمع خود شدند.

خبر اعتراضی دیگر در این روز مربوط به تجمع کارگران خدمات شهری شهرداری ایلام است که به‌خاطر عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و ۱۰ ماه بیمه دست به اعتراض زدند.

در روز گذشته بیستم آذرماه نیز کارگران کارخانه روغن خوراکی فریکو در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و بیمه مقابل فرمانداری سیرجان تجمع داشتند. سطح نازل حقوقها و دستمزدهای پرداخت نشده موضوعات اعتراضات سراسری کارگری است.

روز گذشته یک روز اعتراض عظیم و گسترده در نفت بود و پنج هزار کارگر ارکان ثالث و سیصد نفر از کارگران پالایش گاز فجر دست به اعتصاب و تجمع زدند. در این روز کارگران نفت و گاز در سکوهای دریایی پارس جنوبی و بخش خشکی نیز تجمع داشتند. افزایش حقوقها، پرداخت معوقات، کوتاه‌شدن دست پیمانکاران و ایمن شدن محیط‌های کار خواست‌هایی سراسری در نفت است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ آذر ۱۴۰۳، ۱۱ دسامبر ۲۰۲۴

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۶ آذر ۱۴۰۳

جمعه ۱۶ آذر

بازنشستگان شعار می‌دادند "بازنشسته به پا خیز علیه ظلم و تبعیض"، "این همه بی‌عدالتی هرگز ندیده ملتی".

- مال‌باختگان شرکت «نیوساد گستر ایرانیان» (مجتمع تجاری گل باران دزفول)، در اعتراض به بالا کشیدن سرمایه خود توسط مالکان شرکت که دو پاسدار بازنشسته به نام‌های محمدحسین و احمد دهقان‌زاده هستند، در برابر ساختمان شرکت تجمع کردند و شعار می‌دادند: "تا حق خود نگیریم، آرام نمی‌نشینیم!"

- آموزش‌دهندگان نهضت سوادآموزی در شادگان با شعار "استخدام حق مسلم ماست"، "نه لایحه نه تبصره، استخدای حق من است" تجمع کرده و خواست‌هایشان را پیگیری کردند.

سه‌شنبه ۱۳ آذر

- مرتضی نعمتی، استاد تعلیق‌شده از دانشگاه چمران اهواز، با انتشار ویدیویی گفت: «پزشکیان در گفت‌وگوی تلویزیونی از بازگشت بسیاری از اساتید اخراجی و تعلیقی به دانشگاه خبر داده درحالی‌که تعداد اندکی بازگشته‌اند و همان‌ها هم با پرونده‌های جدید قضایی و سیاسی روبه‌رو هستند.»

نعمتی به دلیل اعتراض به سرکوب خیزش انقلابی، متهم به نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام شده است.

دوشنبه ۱۲ آذر

- بازنشستگان مخبرات همچون دوشنبه‌های هر هفته تجمعات سراسری خود را داشتند و در این روز این بازنشستگان در اهواز نیز تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند.

حجت آل محمدی، شهروند بازداشتی اهل ایذه، بیش از ۷۰ روز است که در زندان شیبان اهواز زندانی شده و تحت فشار و شکنجه قرار دارد. آقای آل محمدی، در تاریخ ۶ آذرماه، به مدت دوروز، جهت بازجویی به یکی از سلول‌های انفرادی زندان شیبان اهواز منتقل شد. او در این بازجویی‌ها برای اعتراف اجباری، تحت ضرب و شتم قرار گرفته بود. علت بازداشت و اتهامات مطرح‌شده علیه او مشخص نیست و آزادی موقت وی نیز تاکنون میسر نشده است.

یکشنبه ۱۱ آذر

- بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در اعتراض به مشکلات معیشتی و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان در شهرهای مختلفی تجمع کردند. از جمله این بازنشستگان در شوش از شهرهای کرخه، کارون و شوش گردآمده بودند و با فریاد شعارهای اعتراضی خود پیگیر مطالباتشان شدند. در اهواز بازنشستگان تجمع و راهپیمایی کرده و شعار می‌دادند "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "هم مجلس، هم دولت ظلم می‌کنند به ملت"، و "فقط کف خیابان، به دست میاد حقمان". بازنشستگان فولاد نیز در اهواز تجمع داشتند.

- پرستاران بیمارستان گلستان اهواز در ادامه اعتراضات پرستاران در این شهر دست به اعتصاب زده و مقابل بیمارستان تجمع کردند.

شنبه ۱۰ آذر

- پرستاران و کادر درمان اهواز در ادامه اعتصابات و اعتراضات خود مقابل استانداری استان خوزستان در اهواز تجمع کردند و به شرایط ناپسند شغلی و حقوقی خود اعتراض کردند. این در حالی‌ست که دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز، برخلاف وعده‌های قبلی خود برای پایان‌دادن به اعتصاب، به روش‌های دیگری برای عقب‌زدن اعتصاب روی آورده است. از جمله ریاست دانشگاه و معاونین وی طی جلسه‌ای با مدیرگروه‌ها و دانشجویان از آنها خواسته‌اند که به بیمارستان‌ها بروند و به‌جای کادر درمان کار کنند در غیر این صورت، با آنها برخورد خواهد شد و مانع از فارغ‌التحصیلی آنان خواهند شد.

- میثم معزی، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز با اشاره به افزایش میزان آلودگی هوا در طول ۲۴ ساعت گذشته گفته است: "حدود ۷۰۰ بیمار با علائم تنفسی و قلبی به بیمارستان‌های تابعه دانشگاه مراجعه کردند". معزی به مردم هشدار داد که در روزهای آلوده از خانه خارج نشوند، به‌ویژه زنان باردار، کودکان، بیماران قلبی و عروقی، افراد دچار نقص ایمنی، بیماران با فشارخون بالا و بیماران مزمن تنفسی. در این شهر و بسیاری شهرهای دیگر که آنها نیز دچار آلودگی شدید هوا هستند به مردم گفته شده که از ورزش در هوای آزاد خودداری کنند و این همه تمهیدات حکومت در مقابله با خطرات زیست‌محیطی و هوای ناسالم در قبال مردم است.

تخریب محیط‌زیست بخشی از جنایت سرمایه‌داری است که در ایران شکل فاجعه‌باری به خود گرفته است و از مردم قربانی می‌گیرد و به زندگی و معیشت کل جامعه آسیب فراوان می‌رساند. آلودگی هوا و بی‌آبی همواره از جمله موضوعات حاد اعتراضی در خوزستان بوده است.

- هومان الماسی، زندانی سیاسی بیش از ۱۹ ماه است که بدون محاکمه و تعیین تکلیف قضایی در زندان شیبان اهواز در بازداشت به سر می‌برد. هومان در تاریخ ۲۸ مهرماه در اعتراض به بازداشت خود و بلا تکلیفی بیش از یک سال خود در زندان دست به اعتصاب زده بود. پس از این اقدام، به سلول انفرادی منتقل شد و مدتی بعد با وعده مسئولان به اعتصابش پایان داد و به بند عمومی بازگردانده شد. طبق گزارشات هومان الماسی که به بیماری کلیوی مبتلاست، از رسیدگی تخصصی پزشکی و اعزام به مراکز درمانی خارج از زندان محروم مانده است و محرومیت از دارو و درمان بخشی از شکنجه‌های سیستماتیک حکومت در زندان‌هاست.

هومان الماسی فروردین‌ماه ۱۴۰۲، توسط مأموران حکومتی بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز منتقل شد و بعد از دو ماه با اتمام مراحل بازجویی به زندان شیبان اعزام گردید.

پنجشنبه ۱۵ آذر

به گزارش ایرنا، سخنگوی مرکز اورژانس خوزستان گفت: ۱۵ کارگر فصلی مزرعه بر اثر واژگونی یک دستگاه خودرو وانت نیسان در مسیر شوشتر به گتوند مصدوم شدند. در این سانحه ۱۳ مرد و ۲ زن در مسیر سله‌های شوشتر به سمت شهرستان گتوند مصدوم شدند. جاده‌های ناامن و استفاده از خودروی غیراستاندارد هر روز قربانی می‌گیرد.

- صبح این روز بیش از ۱۲ زمین‌لرزه و پس‌لرزه، برخی مناطق استان خوزستان از جمله هفتکل، مسجدسلیمان، ایذه و باغملک را لرزاند که دو مورد از آنها با قدرت بیش از ۵ بوده است.

ویدئوهای منتشرشده نشان می‌دهد که پس از وقوع زمین‌لرزه‌هایی در استان خوزستان، سقف برخی خانه‌ها در اهواز ترک‌خورده است.

به گزارش رسانه‌های دولتی در جریان این زمین‌لرزه‌ها دست‌کم ۲۹ نفر زخمی و ۳۳ خانه آسیب‌دیده است. این در حالی است که محمدحسین سرمست، رئیس دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز گفت که گزارشی از مصدومیت شدید و فوتی نداشته‌اند. این ۳۳ خانه در منطقه کلگیر مسجدسلیمان بوده است. همچنین در نتیجه زلزله راه دو روستا بسته شدند.

چهارشنبه ۱۴ آذر

- بازنشستگان نفت اهواز برای چندمین بار در مقابل درب صندوق بازنشستگی صنعت نفت این شهر تجمع کردند. اعتراض این بازنشستگان به بدتر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی خود و اختلاسگری از صندوق بازنشستگی و بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان است. در این تجمع اعتراضی

- نیروهای آتش‌نشانی اهواز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و تأخیر در پرداخت آنها در برابر ساختمان مرکزی شهرداری اهواز تجمع کردند. کارگران معترض با شعار "شهردار بیا اینجا" و فریاد "شهردار بی‌لیاقت نمی‌خوایم، نمی‌خوایم" خواستار پاسخگویی مسئولین در جمع خود شدند. **سه‌شنبه ۲۰ آذر**

- پنج زندانی سیاسی اهل ایذه بیش از ۴۷۰ روز است که در بازداشت و بلا تکلیفی در زندان شیبان اهواز به سر می‌برند. این ۵ زندانی سیاسی عبارت‌اند از: فرشید کاظمی، رضا کریم‌نژاد، مازیار نکویی، اشکان محمدی و رامین محمدی. اتهامات مطروحه علیه آنها تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی بوده است.

مأموران امنیتی، رامین محمدی را در ۱۲ مرداد ۱۴۰۲، رضا کریم‌نژاد، ساکن اصفهان را در ۲۲ مرداد ۱۴۰۲، اشکان محمدی ساکن اهواز و مازیار نکویی ساکن اصفهان را در اواخر مرداد و فرشید کاظمی را در ۳۱ مردادماه ۱۴۰۲، بازداشت نموده بودند. این زندانیان، در اواخر مهرماه ۱۴۰۳، در اعتراض به بلا تکلیفی و اجرائشدهن وعده مسئولین، مبنی بر آزاد شدن آنها برای بار دوم اقدام به اعتصاب‌غذا کردند. مقامات زندان شیبان به‌جای پاسخ‌دادن، آنها را به سلول انفرادی منتقل کردند.

- در چهل و ششمین هفته کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" زندانیان سیاسی و عقیدتی در بیش از ۲۵ زندان کشور دست به اعتصاب‌غذا زده‌اند. زندانیان شیبان اهواز نیز در این کارزار شرکت دارند.

- بر اساس پیش‌بینی هواشناسی مبنی بر، پایداری هوا و تجمع آلاینده‌های جوی، دبیر کارگروه اضطراری آلودگی هوای خوزستان، فعالیت مدارس تمامی مقاطع تحصیلی شهرستان‌های اهواز، حمیدیه، باوی، کارون و رامهرمز در نوبت عصر، به‌صورت غیرحضوری اعلام کرد. آلودگی هوا زندگی و معیشت مردم را در بسیاری از شهرها به‌ویژه در شهرهای خوزستان مختل کرده است.

دوشنبه ۱۹ آذر

- بازنشستگان مخابرات در یکی دیگر از دوشنبه‌های اعتراضی سراسری خود در اهواز تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند.

- باکمال تأسف رضا بهرامی فرد، اهل دزفول که پیش‌تر در یک نزاع مرتکب قتل شده بود، پس از بازداشت، توسط مرجع قضایی به اعدام محکوم شد. سحرگاه این روز در زندان دزفول اعدام شد. اعدام قتل عمد حکومتی است. و هم اکنون جنبشی قدرتمند علیه اعدام‌ها در ایران جاریست که با خواست توقف اعدام‌ها تحت هر عنوان، لغو مجازات اعدام، این شکل شنیع مجازات و لغو تمامی احکام اعدام ابعادی جهانی دارد.

- رضا حزباوی، شاعر اهوازی، ۶۶ساله، روز دوشنبه ۱۹ آذرماه توسط نیروهای امنیتی در منزل خود واقع در محله مجد کوت عبدالله اهواز بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شد. حزباوی، که پیش‌ازین نیز چندین بار به دلایل نامشخص توسط نهادهای امنیتی بازداشت شده بود، در یکی از موارد پیشین تحت شکنجه‌های شدید در سلول‌های انفرادی اطلاعات اهواز قرار گرفت. این شکنجه‌ها به آسیب‌دیدگی جدی وی منجر شد و پس از آزادی، نیاز به عمل جراحی فوری طحال داشت.

یکشنبه ۱۸ آذر

- بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در اعتراض به مشکلات معیشتی و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان در شهرهای مختلفی تجمع کردند. از جمله این بازنشستگان شوش و شهرهای کرخه و کارون گردآمده بودند

شنبه ۱۷ آذر

- معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز، از مراجعه حدود ۷۰۰ بیمار با علائم تنفسی و قلبی به بیمارستان‌های تابعه دانشگاه در ۲۴ ساعت گذشته، به دلیل افزایش آلودگی هوا خبر داد. سهم مردم از زندگی، فقر، بی‌تامینی و حتی محروم بودن از هوای سالم به‌خاطر آلوده‌شدن هواست. اعتراض به تخریب محیط‌زیست و آلودگی هوا یک موضوع اعتراضات مردمی است.

جمعه ۱۶ آذر

همچنین گفته می‌شود که دانشگاه نیروهای سایر شهرستان‌های استان را نیز به‌واسطه شبکه‌های بهداشت و درمان شهرها دعوت به شیفت دادن در بیمارستان‌های سطح شهر اهواز کرده است.

- جمعی از کارگران نیشکر هفت‌تپه به دلیل به‌خطرآفتادن امنیت شغلی خود و زرمزه‌های بازگرداندن دوباره این شرکت به بخش خصوصی در مقابل استانداری تجمع کردند. در این تجمع یکی از کارگران در مورد موضوع اعتراضشان گفت که پیام آنها در مورد امنیت شغلی شش هزار کارگر نیشکر هفت‌تپه است. پروسه طرح واگذاری هفته تپه و صنایع جانی آن قرار بود در شش ماه اول انجام گیرد. اما چهار سال گذشته است که کاری صورت نگرفته است. به دنبال اعتراضاتی که داشتیم و هفت‌تپه به "هفت طرح" منتقل شد، موقتاً آزمایشی نسبی برقرار شد. حقوقها به روز شد و طرح طبقه مشاغل به درجه‌ای اجرائی شد و زمین زیر کشت هفت‌تپه به ۵۰۰۰ هکتار افزایش یافت. و اکنون دوباره زرمزه بازگرداندن نیشکر هفت‌تپه به بخش خصوصی و ادامه چپاولگری‌های قبلی است. کارگران نیشکر هفت‌تپه به این موضوع اعتراض دارند و خواستار امنیت شغلی و قطعی شدن واگذاری این شرکت به "هفت طرح" هستند.

جمعه ۹ آذر

- ۶۳ کارگر روزمزد فضای سبز نفت و گاز آغاجری در اعتراض به محقق‌نشدن وعده تبدیل وضعیت شغلی خود از سوی مسئولان وزارت نفت و شرکت ملی مناطق نفت‌خیز دست به اعتراض زدند.

۱۶ تا ۲۳ آذر ۱۴۰۳

جمعه ۲۳ آذر

- هوای ۱۳ شهر خوزستان در وضعیت قرمز اعلام شد. بنا به اظهارات مدیر مراکز درمانی دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور در روز گذشته در پی آلودگی هوا در چند روز اخیر، ۳ هزار و ۳۵۴ نفر با مشکل تنفسی و قلبی، به بیمارستان‌های تابعه دانشگاه مراجعه کرده‌اند و استمرار آلودگی هوا، رشد ۲۵ درصدی مراجعه بیماران با مشکلات تنفسی و قلبی به مراکز درمانی را همراه داشته است.

پنجشنبه ۲۲ آذر

- سرانجام به دنبال کارزاری قدرتمند جهانی حکم اعدام عباس (مجاهد) کورکور (کورکوری)، زندانی سیاسی در زندان شیبان اهواز، توسط دیوان عالی کشور نقض و پرونده نامبرده، برای رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض ارجاع داده شد. این موفقیت را به مجاهد کورکور، خانواده‌اش، و همه کسانی که برای نجات جان او تلاش کردند تبریک می‌گوییم. لغو حکم اعدام مجاهد کورکور، جنبش علیه اعدام را گامی دیگر به جلو برد. مجاهد کورکور باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شود و تمامی احکام اعدام لغو و به مجازات اعدام پایان داده شود.

مجاهد کورکور، اواخر فروردین‌ماه سال گذشته، از بابت اتهاماتی نظیر "محرابه و افساد فی‌الارض" توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اهواز به اعدام محکوم شده بود. و بعد در دی‌ماه ۱۴۰۲، حکم وی توسط دیوان عالی کشور تأیید و پرونده وی به شعبه اجرای احکام دادگاه ایذه ارجاع داده شده بود. او که از تاریخ ۲۹ آذر ۱۴۰۱ در یکی از سلول‌های انفرادی زندان شیبان اهواز نگهداری می‌شد، از اواسط مردادماه به بند هشت این زندان منتقل شده است.

قوه قضاییه ادعا کرده بود که عباس کورکور در قتل کیان پیرفلک، کودک جان‌باخته در انقلاب زن زندگی آزادی دست داشته است، اما خانواده پیرفلک این ادعا را رد کرده و مادر کیان اعلام کرد که، "هنگام بازگشت به خانه، مأموران به خودروی ما تیراندازی کردند."

جنایت‌کاران جمهوری اسلامی مجاهد کورکور را به اتهاماتی مانند، اخلال در نظم عمومی و ایراد خسارت عمده به تمامیت جسمانی منجر به مرگ هفت نفر، از جمله کیان پیرفلک، آسیب‌های جدی به اموال عمومی و خصوصی، تشکیل گروه‌های مخالف نظام و عضویت در آن‌ها، از طریق قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی متهم کردند.

- هومان الماسی، زندانی سیاسی بیش از ۱۹ ماه است که بدون محاکمه و تعیین تکلیف قضایی در زندان شیبان اهواز در بازداشت به سر می برد. هومان در تاریخ ۲۸ مهرماه در اعتراض به بازداشت خود و بلا تکلیفی بیش از یک سال خود در زندان، دست به اعتصاب زده بود که پس از این اقدام، به سلول انفرادی منتقل شد. او مدتی بعد با وعده مسئولان به اعتصابش پایان داد و به بند عمومی بازگردانده شد.

طبق گزارشات، هومان الماسی که به بیماری کلیوی مبتلاست، از رسیدگی تخصصی پزشکی و اعزام به مراکز درمانی خارج از زندان محروم مانده است. محرومیت از دارو و درمان بخشی از شکنجه‌های سیستماتیک حکومت در زندان‌هاست.

هومان الماسی فروردین ماه ۱۴۰۲، توسط مأموران حکومتی بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز منتقل شد و بعد از دو ماه با اتمام مراحل بازجویی به زندان شیبان اعزام گردید.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۳ آذر ۱۴۰۳، ۱۳ دسامبر ۲۰۲۴

- میثم معزی، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، با اشاره به افزایش میزان آلودگی هوا در طول ۲۴ ساعت گذشته گفته است: "حدود ۷۰۰ بیمار با علائم تنفسی و قلبی به بیمارستان‌های تابعه دانشگاه مراجعه کردند." معزی به مردم هشدار داد که در روزهای آلوده از خانه خارج نشوند، به‌ویژه زنان باردار، کودکان، بیماران قلبی و عروقی، افراد دچار نقص ایمنی، بیماران با فشارخون بالا و بیماران مزمن تنفسی. در این شهر و بسیاری از شهرهای دیگر که آنها نیز دچار آلودگی شدید هوا هستند به مردم گفته شده که از ورزش در هوای آزاد خودداری کنند و این همه تمهیدات حکومت در مقابله با خطرات زیست‌محیطی و هوای ناسالم در قبال مردم است.

تخریب محیط‌زیست، بخشی از جنایت سرمایه‌داری است که در ایران شکل فاجعه‌باری به خود گرفته است و از مردم قربانی می‌گیرد و به زندگی و معیشت کل جامعه آسیب فراوان می‌رساند. آلودگی هوا و بی‌آبی همواره از جمله موضوعات حاد اعتراضی در خوزستان بوده است.

حکومت اعدام را به زیر می‌کشیم!

حکومت منفور اسلامی در تلاش است با جنایت و اعدام، خود را چند صباحی بیشتر بر سر پا نگه دارد. در برابر مردم مصمم و به‌جان آمده، در برابر جوانان به‌پاخاسته، در برابر زنان و دختران جسور و آزاده، چوبه‌های دار را برپا می‌کنند و قاضیان فسیل و جلاد پی‌درپی احکام اعدام صادر می‌کنند.

به این درنده‌خویان از گور برخاسته اعلام می‌کنیم که هیچ‌چیز حتی اعدام شما را نجات نخواهد داد. اعدام ما مردم را از انقلاب کردن عقب نخواهد راند. اعدام و جنایت و آدم‌کشی خشم ما را بیش‌ازپیش فوران خواهد داد.

شما جلادان می‌دانید و بارها اعتراف کرده‌اید که انقلاب ما مردم ویژه است و در برابر هیچ جنایتی سر ایستادن ندارد. پیاپی می‌خیزیم! دست‌به‌دست هم می‌دهیم! ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم و بر سر دست بلند می‌کنیم! زن زندگی آزادی! نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ آذر ۱۴۰۳، ۲۳ نوامبر ۲۰۲۴

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad.rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید